

بصارت جہی از اهل ہمامتہ کہ واقعہ و واقعہ ادنی
تلمیذ آنها اعلم و افضل از خود آقا است نیست
مگر زمین حجت عصر (عجل اللہ فرجہ) و
حراحت قلب جراح شرع و توحین رؤسای مذہب
امایہ سلوات اللہ علیہم البتہ آنرا نیز خود آقا بہتر میداند
قولہ ایشانرا ہم اغوا الخ. فرض علماء اعلام و حلقہ
دین ہدایت آقا بود بصراط اللستقیم کہ در حوزہ
مؤمنین و عدول مسلمین داخل شوند، لا اقل این امر
در زمان غیبت داخل در امور حبیبیہ و وظیفہ
عدول مؤمنین است، شاید آقا ہم از اطانت کسیکہ
بضرورت مذہب قاصب است صرف نظر نماید، و آن
شہہزار تومان خود و مقصد لیرہ سید علی را از
و حوہیات محسوب داشته خود از سلسلہ علماء
بمصدق (خائف تعرف) خارج نشود، و چون شیاطین
اسیہ کہ عدول مفصلہ آقا هستند ایشانرا محصور و
مجبور بہ مخالفت کردند ناچار آقا با حجاج لاسلام
موافقت نمودند، بلکہ بلجاحت آنان حکم حرمت
مجلس را نوشته بآقای آقا فرستادند کہ منشا این ہمہ فتنہ و
ناری و عہد آملی فرستادند کہ منشا این ہمہ فتنہ و
فساد در ایران شد

قولہ و لوائح محمولہ نوشتند الخ این نیز کذب
واصح است من در نجف اشرف ہستم ہمہ جا با ہمہ
کس برادرم ابدا لواجبی مومن آقا سید کاظم دہدہ شدہ،
فقط بارسال یک لایحہ با صورت طبیانچہ بدر طوسی
جسبانہ شدہ بود آمہم بعد از تحقیق معلوم شد کہ
از خود ادارہ آقا است، مجبہ اینکہ سید علی پسرش
ار طهران آمدہ بود مقصد لیرہ انگلیسی برایی
خودش و شش ہزار تومان ہم برای آقا از بابت
اجارہ حامی دہلق آورده بود کہ اجارہ ار حتمہ علماء
حکم صاد مشروطہ را بگیرد، نجف آمد، دید غیر از
ولس کسی ما و ہمہی ندارد، حکم توانست از
علاء بگیرد، پول دولت را ہم بجایا نباید خورد، لایحا
اقدام بہ بعضی مفاہد کرد تا بطهران خبر فرستد
و در نظر دولتیان محبوب و حبر خواہ دولت
و... رست فامداد کند، و بطہرایان نشان دہد کہ
من جو را غاناً نخوردم در عوض این صدقات را
از حد کم نیدم، غیر از آن نام لوائح دروغ و دور
نجف چنین ادائیجہ است، اینها اکادی است کہ در
شرح آتش سیدہند، البتہ خود آقا ہمدآ دروغ نخواہند
درمود، این گویہ امور از تصفات اجزاء و خلوص ذاتی

محرراست کہ دروغ واضح آقا را منہم بکذاب میدانند،
در مملکت عثمانی کہ ایرانی ذل از بود ست احدی را
جرئت قتل احدی نیست، ملی ہوسہا ہمہیکہ را
می کشند، ولی رطلی بایرانی ندارد، و آننگسی طلاب
کہ حیوان زمان ستہاند، کجا قدرت تمدنی دارند، این
حرفہا نمرات وجہ حلال طہران است، خداوند و اولیہ
او شاعداند کہ تمام اینها اغلوطنہ و فتراست کہ از ناحیہ
آقا انتشار می یابد، مجبہ آب گل آلود کردن و
طعمہ از طہران سید کردن

قولہ در جمع بزرگ مصابیر الخ - مراد حجتہ الاسلام
و آیت اللہ علی لام آقا ہی حراسان سب، طاگو از
سلسلہ طلاب خارج لکن شاگرد آقا ہی خود مقصد
الی ہزار فر است، شاگرد آقا سید کاظم بیست و پنج
الی ہجاء فر است، خلی قبیح ست این گویہ تعبیر کہ
حاوی توحین رؤسای روحانی ولیر درجہ باشد،

چون خدا خواهد کہ بر دہ کس درد

میلش بدر طعمہ با آب برد

ولی حسن ظن در حق آقا است کہ این نوشته

آقا ہم مثل سایر نوشته ہا و مکاتیب بی اطلاع آقا
صادر میشود

قولہ قریب دوہست و سی صد فر الخ - این فقرہ
نیز دروغ چشم راست از ہمہ جہتہ چہل ہجاء فر بیشتر
نبودند کہ اکثر آنها مجتہدین درجہ دوم و چند فر
طلبہ نہ برای کشتن بود بلکہ استرحام رفتند کہ آقا نیز
با سایر حجج موقت نمودہ محاس تشکیل بدہند و
در آن مجلس فراری برای سفک دماء ایرانیان مظلوم
بگذارند، تفصیل این همان است کہ در عمرہ ۵۲ حریدہ
جبل المتین درج گردید،

بر فرض اگر ما تصدیق این کلام کنیم و بگوایم
سب صد فر طلایکہ قالب از مجتہدین آمہم در قیہ لاسلام
نجف اشرف کہ مرکز زہد و قوی است آمہم در
حضور رؤسای مذہب جعفری بالا تر آنکہ ز
جمع بزرگ عہدین حرکت کردہ باشند در حق جناب
آقا چہ تصور خواہد رفت؟ اگر تصدیق کنیم چہ دلیل
سب صد فر طلاب علوم دینیہ کہ غالباً از طراز
مجتہدین عمرہ دوم و سوم بودہ اند خالی تصور شوند؟ و
یک نفر آقا کہ ایشان ہم در شمار یکی از آنها محسوب اند
صائب بنداریم؟ بل دروغ و تہمیدہ و اطرافش را
ملاحظہ نمودہ مثلث السان را باز میکند، و قیاحت
امر و وقاحت سخن خویش را ہم نمی فہمد

فوله انك فتنه ايران خواموش شده بخ - برای صحیح و نویسی قطعی آقا در مشتم شعبان و ما بعد فتنه ابراهام خاموش شده ، ما در این ماه فتنه نمی نویسیم ، محبت و مساد این حرف و صدق و کذب قابل و هوا پرستی و اطاعت ظلم و انهماص از حق گوئی و حب دیانت شخصی همه را بسپرده مدبر محترم و هموم اهل ایران بلکه جمیع اهل کرة ارض قویض میداریم .

ما درین مقام نه تنها از عقلای ملت شیمه ناکه از تمام منصفین عالم تصدیق میخواستیم که آیا این فرمایش آقا مقرون بصواب است یا نه ؟ آیا فتنه و طواریزی ایران در عشر اول شعبان خواهد بود یا خیر ؟ آیا تا کنون دولتیان خدار ترک طواریزی در ایران گفته اند یا نه ؟ این سخنان عوم فرساده یعنی چه ؟ این کلمات اغلوطنه کاراه چه معنی دارد ؟ آیا هنوز هم میتوان باین اغلوطنه ها اهل عالم را فریب داد ؟ آیا این وسوسه خناسی و الهام شیطان نیست ؟ آیا این کلام بآدای زاد لایق است ؟ آیا حسن اسانی ازین کلام منفور میشود ؟ آیا جنود شیطان ز این پتان خذلان نمی شوند ؟ آیا بعد از این دشنام منقدین را کسی حق ملامت دارد ؟ آیا ب دینی عوام را جز امتثال این تنظیمات سبب خواهد بود ؟ هر چه خواستیم سر کار آقا را تخریب نمایم که کذب بین لایق وجود شرفش نیست ، لکن حین تخریب حکم ایشان در حق عین لدره بخاطرم رسید که بخط شریف در حق او مرقوم داشته بودند ، که نواب عین الدوله طالبات ایران را تحدی و تعدیل نمودند . اطاعت مظاهر لدرین شاه و عین الدوله بر همه کس واجب و لازم است . مخالفت ایشان جایز نیست (در صورتیکه عین الدوله تعدیل طالبات را نکرد و خیال تعدیل هم نداشت و اگر هم خیال داشت شعور تعدیل نداشت) پس از این دو حکم معلوم شد که آنچه خیر مسلمانان است از قلم جناب آقا جاری نخواهد شد ، قلم تقدیر جابین جریات یافته که از قلم و زبان این شخص محترم خارج نشود مگر ضرر اسلام و خرابی مسلمانان ، چنانکه در شوراندن ارادل و الهام گله با بیت در حق چهار هزار علماء نبود مگر شدید تر از احراق قرآن و خرابی کعبه مسلمانان با کمال احتیاط از زبان آقا جاری و نزد ارافل مخلصه قبول و خدمت شایانی بطریقه ضلالت از زبان ایشان جاری شده ، باقی را قارئین بهتر میدانند

فوله که مقاله بین مسلمین حرام است الخ - آقا یان

دین جا اغلوطنه شرعی میگویند به نمایند (بقولون کلمه الحق و رادون الباطل) قتال بین مسلمین که محبط کلام میباشد دو قسم است - یکی اینست که فرقه هجوم میآورد فرقه دیگر مثل هجوم دزد بصاحب خانه و مال - در این صورت مهاجم در نزد شرع و اهل آن محکوم به محارب است و صاحب مال مدافع شرطا مهاجم مهدورالدم است و مدافع اگر کشته شود شهید است ، چنانکه اگر صاحب مال دزد را بکشد شرطا قصاص و دیه ندارد ، و اگر دزد صاحب مال را بکشد هم قصاص و هم دیه دارد (كما هو المقرر فی الشرع) قسم دیگر آنکه مهاجم و دفاع نباشد هر دو مهاجم و هر دو مدافع باشند این قسم را مقاله بین لاینین گویند ، هر دو حرام و هر يك ضامن دینه دیگری است ، پس از بیان این حکم شرعی عرض میکنم ، گویا جناب آقا باب مقاله بین لاینین را ما هجوم و دفاع نوشته و شرطا تمیز نداده اند ، درحالات حایه تبریز قشون دولت که حمله به تبریز میکنند مهاجم و شرطا محارب و مهدورالدم اند ، اما اهل تبریز مدافع اند و هر کدام که کشته شود شهید اند

المرء اذا قتل عنده و ماله قتل شهیدا - این مضمون اخبار متواتره از اهل بیت طهارت وارد است ، این قسم دعوا را شرطا مهاجم و مدافع میگویند ، مقاله بین لاینین ، پس حمله از اردوی دولتی حرام و هر يك در ایزاع محارب و مهدورالدم اند و دفاع بر اهل تبریز و حساست ، ما کانی میگردم که بی سوادی و بی دینی در علمای ابراهام شایع است ، مانند دجال طهرانی ، محمد آملی ، و فضل قه ناری - و سید علی یزدی و عسمة شیطان محمد خانی ، و میرزا حسن تبریزی ، و - و - و ابدأ احتمال عدم دیم که در تحف شرف هم این دو مرض سه بیت نموده باشد ، از ان عبار آقا معلوم شد که القاء آت شیطان طم این ر نفس سر کار هم اثر کرده ، جناب عزم ثابت در دله میگویند قدیمی برخلاف مقتده و امام وهادی و محمد علی میرزا بردارند ، چنان اهتمام دارد به صحیح الام را نیز مانند خود پیرو محمد علی میرزا ، و بجه التزامات هرفیه بلکه مدلول صریح این عبارت هم مشروطیت است که اهل تبریز در مشروطه ، و بی بردارند تا من استعدای عفو آنان ، و عبارت جاهلانه میخواست صحیح سلام ، و بصورت اصلاح شاه را که طام مدرس و پیروی هدایت جناب آقا است مساط و کند برهنگ دعاه مسامین

حجج را وا دارد که حرمت مشروطیت را بنویسند ، اینست طریقه آقا در همراهی با ملت که میخواهد قراء و ضعیفان و سحاره گان و مؤمنین و مسلمین را بطریق شایع غمناک نموده گول زند ، و همه را دست بسته تا ایم جوان مصروع مرتد ، عنون احق طونخوار محمد علی میرا نماید ، این دقیقه را همه کس دانا بود ، کیف آقایان عظام این بود ، که درین خیال شیخ شیطان و درین هنرم تو طویانه حساسی احدی از مسلمین و مؤمنین سرکار آقا همراهی نکردند ، تیر از شهت رها شده آقا بسنگ نویدی خورده با جار دیال بهانه مکتبت ، تا آنکه روز ۸ شبان محض ورود علماء و طلاب مخانه خود احمد جواهری زده ر فرستاده نزد قائم مقام و نیز شیخ احمد و شیخ محمد حسین دو برادر را تانیاً فرستاده من خود در منزل قائم مقام بودم با بعضی از آقا زاده ها محاجه نمودند آخر لاسر کار از طرف حکومت اصلاح پذیرفت

قوله نویسیر ولایت الفخ - این نیز کذب است همه اهل نجف میدانند که قومیسیر در اوجه های نجف نمی کرد مگر لیدی الضروره ، بعلاوه من حاضر بودم عسکره آمد مسلحاً با چند نفر تو عسکر مساح و ضابط عسکره حاضر بودند بواسطه شکایت آقا محکم مت باینکه طلاب و علماء میخواهند مرا بکشند بدد من برسید ، حکومت لاعلاج قومیسیر و عسکر و ضابطه فرستاد بسیار خوب قومیسیر خودش آمده در خانه شخص شما چرا در خانه خود در حضور خود قومیسیر امر بزدن و بستن و گرفتن نمودی که قومیسیر ها در جواستان بگویند ما مأمور بزدن و بستن کسی نیستیم

قوله اینست صورت و قه الفخ دیده شد که يك كاه راست و صحیح نداشت ، تمام متضمنات آن یا کذب یا بهتان یا توهین علماء یا مسخره طلاب یا سب اغفال بود ، يك كلام صحیح درست منابه كلام آدمی زاد نبود ، این بود ملخص محتویات كلام آقا .

درین مقام هم از بیان يك نکته ناچاریم و آن این است که جناب آقا از یکطرف برای عوام فریبی خود را بیطرف جلوه میدهد ، و اقدام درین امور را منافی با وظائف شرعیه خود می نماید ، از طرف دیگر سراًحتساً در حمایت استبداد اقدام میکند و يك جوان می ساله مصروع خون خوار غدار را برجهل

کرور نفوس شیعه مطابق الضان میخواهد و بدر مهران میگوید و حرکات کافران او را که بر باد دهنده احکام مقدسه اسلام است احیا کننده دین مرده اسلام می نویسد ، و با جمهور علماء و رؤسای مذهب جعفری مخالفت میورزید سبب این چه ؟ و عات این چیست ؟ بنده که فهمیده ام .

اما در باب تقریظ ولد الشریف ، اگر چه ما متعهد عدم تعرض شدیم يك کلمه ضرر ندارد

قوله تمام وجوه متدینین و اهل علم و متدینین الفخ تمام این کاغذها جعل و ساختگی است از متدینین ایران احدی بر آقا مراجعه ندارد مگر خائنین و مستبدین و حذالشیطان و حله الخناس ، مثل اشخاص سابق ل ذکر و امثال آقا مقل محمد امین راویحی و سید حسین رشق و خو مخواران دیگر ، خوب بود سید علی چند عدد دار آن کاغذها را آفتابی میکرد تا اهل نجف هم آن متدینین پیش غولی را بشناسند آنهم در همین وقعه آهم بواسطه هم مذلق سید ما آنها ، از همه شهرهای ایران علماء در نجف اشرف هستند اگر شکایت مؤمنین باید معقول نیست کسی مطلع نشود ، تمام اخبار ایران هر هفته در نجف اشرف مشهوره فرض از این متدینین پیروان محمد علی میرزا است یعنی کسانیکه مثل آقا و آقا زاده شاهرا امام مفترض الطاعه و هادی طریق سلامت و مرشد و پیشوایی راه هدایت بدانند در عوض نعمتهای وافره که هفتصد لیره و ششزار تومان و پنج هزار تومان آخر باشد والسلام علی من اتبع الهدی

اساسی معاونین انجمن بیوگان

و ایتام ایران عطف باسابق

نام	روپیه	مقیم
از طرف انجمن وفاق ایرانیان حیدرآباد دکن بتوسط		
آقا میرزا شاکر خان طهرانی	۱۴۲	حیدرآباد دکن
جناب آقا سید طالب علی صاحب	۱۰	الله آباد
اعلیه محترمه ایشان	۵	
یکی از خیرین دیانت شعار	۱۰۰	چترال
جناب دوست محمد خان تونی	۴۰	کراچی
جمع	۳۲۷	
جمع سابق	۲۶۴۱	
جمع کل	۲۹۶۸	

حبل المتین کلکتہ
دیپل کالج استریت نمبر ۴

وگلا ذمہ دار ابونجات مشترکین اند
(بدل ابونہ اخبار پیشی کرقتہ میشود)

قیمت اشتراک
سالانہ - - شش ماہہ

Habul Mathue Office
Medical College Str
CALCUTTA.

نامہ مقدسہ

المتین

کلیہ امور ادارہ با
مدیر کل مؤید الاسلام است
ہر دوشنبہ طبع
و سه شنبہ توزیع میشود
یوم دوشنبہ

۱۲ روپیہ - - ۷ روپیہ
ایران و افغانستان
۲۰ قران - - ۲۵ قران
ہماتان و مصر
مجیدی - - ۳ مجیدی
اروپا و چین
۳۰ فرانک - - ۱۶ م ٹک

سنہ ۱۳۱۱

۱۷ ذقعدہ ۱۳۲۶ ہجری

مشروعہ بازی برای چیست ؟

این مسئلہ قابل توجہ است کہ فرض این امر مشروعہ بازی و انکار از لفظ مشروعہ چہ میباشد ؟ ہر گاہ درین جا بخواہیم طالبانہ تشریح این مسئلہ را ہم نامہ گنجایش نداریم پس برسیدل اختصار میگوایم در سلطنت مستبدہ کہ تغییرہ شخصی نیز میشود بر فرض کہ دارای ہمہ گونه ادارات منظمہ و شورای صحیحہ و مالیہ صریحہ و قوانین عادلہ و تحکیم و ررات ہم باشد ، شخص پادشاہ بر جمیع مواد قانونی و وزارتات و کلیہ ادارات مملکت کاشا من کان حاکم علی الاطلاق و در امور داخلہ و خارجہ کیف ما شاہ میتواند حرکت و تصرف نماید ، و کلیہ تصرفات او رسماً نزد جمیع مال و دول مقبول است ، امتیاز بخارجہ دہد ، قرض بگیرد ، مملکت را رهن گذارد ، قطعہ از مملکت را بدیگری فروشد ، یا بہ بخشد ، بر مالیات رطایا بیفزاید ، با خارجہ ہر گونہ معاہدات سیاسی و تجارتی بندد ، مالیہ مملکت را بارادہ خود بہر مصرف خود رساد ، بدون تحقیقات عادلانہ بکشد ، بہ بندد ، حبس کند ، اخراج بدد ، و . . . و نزد احدی مسؤل نیست ، و وررا و طرفیہای او ہم جز نزد شخص پادشاہ مسؤل میباشد چنانچہ پادشاہان عمان و روس و ایران جمیع این تصرفات را میکردند و ہمہ ہم بچشم دیدیم ، چور مفهوم خارجی سلطنت مستبدہ از قدیم بدین وضع شناختہ شدہ دول خارجہ ہم رسماً ہمین سمت و اقدار شخص پادشاہ سلطنت مستبدہ را می شناسند ، سمت و نیست آن ملک ، ملت شخص پادشاہ و بجاری جمیع امور بتہ بہ ارادہ سنیہ سلطان است ، در سلطنت مستبدہ یا شخصی پادشاہ رای جمیع طبقات رطایا محدود نمیتواند کرد ، ولی پرای پادشاہ ہم از ظلم یا عادلہ ظلم یا جائد ، یا نجرہ

یا بر نجرہ ، کافر یا مسلم ، هیچ گونہ حدی معین میباشد این است کہ در سلطنت شخصی رطایا گامی در شکستہ اند ، و گہی صرفہ الحال ، آن مملکت گامی آباد است گامی و بران ، آن سلطنت گامی عزیز است گامی ذلیل ، مناط اعتبار همان شخص پادشاہ است

اما مشروعہ یا سلطنت نوعی عبارت است از تغییر حدود ملت و شخص پادشاہ بر حسب یک قرار نامہ کہ قانون اساسی باشد ، کہ در آن حقوق ارتباطیہ بین ملت و دولت از شاہ تا دہقان معین میگردد ، براء شاہ ارادہ سلیبہ باقی نمی ماند ، پادشاہ دولت قانون نمیتواند بمانی رعیتی ظلم کند ، سلطان خزائن مملکت ر نمیتواند بارادہ کیفیت خویش صرف نماید ، پادشاہ بدون امضای وکلای مجلس ملی نمیتواند ملت را رهن گذارد ، وجہ آ را صرف عیش و عشرت خود باید ، مملکت ر باجانب نمیتواند بخشد ، از حقوق کہ در قانون اساسی برای او مقرر و محدود است نمیتواند تجاوز کند

پس باید دانست کہ بالأصلہ ناستبداد و نہ مشروعیت ربطی بدیات و ارتباطی بقایید مذہبی هیچ قوم و ماق ندارد فقط این خصائص کہ ذکر شد لازم و ملزوم و رسمی است ، در اصول استبداد و مشروعہ و صدہا کتب مفصل و مختصر ہلای فن سیاست نوشته و موضوع ہر یک ازین دو نوع سلطنت را معین کردہ اند

مشروعہ بازان دربار و روسیہان درباری براد حلب قع ازین جوان بی نجرہ تمام ہشان صرف این بودہ و هست کہ شاید مشروعیت رسمی ایران را باطل و حقوق استبدادیہ شاہ مسلم شدہ ہم گونہ جلب فائدہ از او نمایند ، و نمیتوانند ملت را متلبہ کردہ سرپوش از روسیہ مسئلہ بردارند ، و بزبان خود بگویند ما طالب استقلال خود یعنی حق تالی ملت هستیم ، این

است که بطریق فریب و دغا لفظ مشروعه را بعتب مشروطه ط. ستمد بچسباند چه اگر ملت راضی و این دو لفظ با هم مزوج شد مهمل صرف یعنی هیچ می شود. چه ادا مفهوم خارجی نخواهد داشت، یعنی تا امروز چنین ساطق دیده نشده که این سلطنت من دو آوردی باو قیاس شود، نتیجه این می شود که بمجرد چسبیدن لفظ مشروعه بمشروطه و اقبال ملت مفهوم خارجی مشروطیت ایران که مسلمة جمیع عالم است باطل گردد. و همینکه مشروطیت باطل شد سلطنت شخصی باقی می ماند، چه شق ثالثی براسیة سلطنت متصور نیست، سلطنت مقفله جزو استبداد، و جمهوری از اقسام مشروطیت است

اینکه سلطنت مشروعه به تنها نمی خواهند عتس این است که ولین شرط مشروعت بیرون آوردن تاج و تخت از بد قاسمین است، چون فقط غرضشان ابطال رسمیت مشروطیت است لفظ مشروعه را بعتب آن چسباندند تا مفهوم خارجی مشروطیت را باطل سازند، چون فرض رفع اشتباه از عوام و کشف اسرار مشروعه بازان است تاچار درین مسئله علمی طایبانه باید بحث نمود

ما کار باین نداریم که در دوره استبداد یک حکم موافق شرع صادر و جاری نشده، معذک میگوئیم، تا امروز هیچ لفظ مترتب اثر نبوده که رابطه مشروطه ترتب اثر شود و خلاف شرع قرار یابد، این لفظ عربی و از بعد و قبل اسلام در لسانها جاری بوده است، پس مشروعه باران باید بگویند، مفهوم خارجی مشروطیت منافی با شریعت اسلام است، و حال آنکه آنچه ما از مفهوم خارجی مشروطیت یا کردیم عین شریعت و قابل انکار نیست پس باید بگویند قانون اساسی در خلاف با شریعت است و قانون اساسی هم اصول عدیده دارد، میتوان گفت تمام آن اصول مخالف شرع است اگر مشروعه باران را حده و حیدله منظور نیست و فرضشان عود استبداد نمیباشد باید فصولیکه از قانون اساسی ایران منافی با دیانت حقه اسلام است بیان نموده موضوع بحث دارند، اینکه طاعت تیر بتاریکی لفظ مشروطه را خلاف دیانت گفته بخواهند ما مشروعه حقت نموده مفهوم خارجی هر دو را از میان به روند، و حال آنکه اول شرطی که در قانون اساسی ایران شده این است که هیچ امر سمت قابلیت پیدا نتواند کرد جز اینکه موافقت با احکام شریعه داشته باشد، و برای نیز این فصل مقرر شد که بنج نفر از وکلای مجتهد حجج اسلامیه نجف اشرف که سرگرم تقلید طایفه شیعیان جعفری مذهب اند در مجلس حاضر و قوانین صادره از مجلس، با مضای آنها برسد

و عیناً همین قانون اساسی ایران هم بصحة حضرات آیات الله نجف اشرف رسیده است

این نکته نیز پوشیده نباید که در بطون لفظ مشروطیت هیچ قانونی بهان نیست جز تحدید حدود جمیع طبقات از شاه گرفته تا برسد بیک فرد دهقانی و این امر را کسی که بیکی از ادیان آسمانی اعتراف دارد نمیتواند خلاف شرع گوید، مگر در شخصی مقدم و امام و مطابقت قوانین مشروطیت دول هم لازم و ملزوم نیست، چه جمیع سلطنتهای مشروطه عالم که اینک موجود اند قوانین یکی از آنها، طاعت نامه با آن دیگری دارد، ما از مشروعه باران سند خاصی نداریم که دست به ترکیب لفظ مشروطیت زده جمیع احکام قرآنی بلکه برای همین و تبرک تمام قرآن را لفظ بلطف مزید بر قانون اساسی فرمایند بنده ضامن که تمام مشروطیت منون ایشان باشند، ورنه گرنخواهند بیک لفظ مشروعه رسمیت مشروطیت را باطل نموده متصدی هزار کفر و زندقه چنانچه قوتها بوده بتو نمی شود، مردم ایران و سیاسیون خارجه هم که رسمیت مشروطیت ایران را تصدیق کرده چون فرض را فهمیده و نکته را سنجیده اند قبول نخواهند نمود، چنانچه نه بودند

مهر، حده و حیدله می خواهد، مرد و مردانه استاده، بک اید ما استقلال شخصی میخواهیم و مردم را هم که بخندل خود رسا دو فرقه حکرده اید مشروطه خواه و استقلال برسات فرید و بخورد با قالب شدید یا مغلوب، حر باید دهنت ما که اسلام که مؤسس عدل و عدالت درین عالم - نزد حاکم جرکین نموده مرهی ترحش و مؤید ظلم و ستمش جلوه دهد، و حال آنکه بهمان صاحب شریعت مطهره قسم است که خودی و یگانه خدایات قاسده مستبدین در پسر راجودشان فهمیده اند، و هر قدر درین حیدله طبع - بچند بیشتر این مسئله حلای شده در مشتشان در می شود

یا همان هم که مفهوم دارالشوری ملی میباشد خلاف شرع است، چرا که مفهوم دارالشورای ملی قانون اساسی و مفهوم قانون اساسی مشروطیت است و این سه لفظ بیکدیگر ارتباط نامه دارند

علاوه بر این از مختصات هر دارالشورای ملی، نگرانی نامه اعضای آن است بر دخل و خرج مملکت تمام دعوی مشروعه باران برای این است که آنچه پول بخواهند خرج کنند، وقتی مالیه مملکت تحت نگرانی وکلای ملت باشد سلطنت شخصی را قدر باقی نخواهد ماند، ازین رو لفظ پارلمان یا دارالشورای ملی هم تالی سایر الفسافا کفریه است در ایران نباید دائر گردد و آیات شورویا قرآن مجید هم از احکام مخصوصه آن عهد یا ملذوخ میتوان گفت

بنازی که لفظ جدیدم خودی در الفاظ مروجه مستبدین انداخته و آن مزاج مملکت است این لفظ دیگر برای چه پیدا شد ؟

محض اینکه کسی نتواند به افعال و حرکات خلاف شرع مستبدین اراد بگیرد

عجیب ضد و نقیض تا این درجه هم ممکن است ؟

مجلس موافق قانون شریعت و مزاج مملکت خواهند داد

یعنی کوسه و ریش پن بند که هر چه فکر می نمایم

معانی این الفاظ مستعمل را نفیهمم، اگر پیروی از قانون

شرع منظور است دیگر مزاج مملکت یعنی چه ازین

عبارت صاف مستفاد می شود که برخی از قوانین شریعت

مخالف از مزاج مملکت است، آنوقت چه خواهد شد

مزاج مملکت راه رفته صاف و عاقبت مرتکب خلاف شرع

خواهم گردید میدانم این الفاظ برای خود حرکات و افعال

استبدادیه تا کجا آنها را کامیاب خواهند نمود ؟ استبداد

پرستان در هر لباس که می رود و هر لفظ که ذکر میکنند

فقط همان پهلوی خود مختاری طوینرا مد نظر میگیرند

تا از مزاج مملکت بیایس تشریح نتوانند فرار کرد و از

قوانین شرع بازم مزاج مملکت انحراف نتوانند نمود

بل - يك جوان سی ساله بی علم و تجربه و چند

فر طماع مفرض تراشیده نخراشیده مزاج دان مملکت

و شریعت دان شده اند، ولی جمیع عملا و عملهای

ایران که تزیب قانون اساسی را داده مزاج مملکت

نمیدانستند، حکام شریعت بمضمبیدند

همه ظلم گواهاست که اگر سلاطین قاجار به و دروا

و درباریان آنها مزاج دان مملکت بودند ملك و مات

ایران را بان امراض مزمنه مهلك مبتلا نمیکردند و

شاهنشاهی ایرانرا یست از يك عادت ممتازه قرار میدادند

و افتخار ممتاز روس که مادبروز از فشار شجمان

می نمود ایران نزدیک بود استخوانهایش درهم شکنند

سوخ قاجار که لکه تاریخ سلاطین ایران است

این مسئله را بخوبی آشکار نموده است، که اگر سلاطین

قاجار به مزاج مملکت میدانستند کار با آنها

نمیکشید، وقتی ملت دید و فهمید که مزاج مملکت سهل

است طبیعت و الهوساه و مزاج مصروفاة خویش را

هم نشناخته بد آنوقت بر احقاق حقوق خویش برخاستند

شاه به به دارد بالا می رود، تا دبروز راتق و

قانی شریعت بود امروز طیب و حکیم هم شده است

ایرانیان و استقلال ایران بشود مفهوم خارجی لفظ

مشروطیت است که بر طلمیان حقوق ملیة آنها را ثابت نموده

است و قانون اساسی نام مطابق با شرع است، رضی

نشوید که تصرف در قانون انتخابات وکلای مجلس به مانند

چه اگر تغییر در او داد بموجب مل خود وکلا انتخاب

نموده سپس هر چه از استشان برآید با قانون اساسی

معارضه کرد، فرقیکه برای مستبدین نباید این خواهد

بود که در استقلال مملو سطره آنچه میخواستند میگردند

در مشروطیت با واسطه وکلا خود خواهند نمود چنانچه

در اواخر مجلس نهمه آن را دیدیم

(تو سار حدیث مفصل بخوان زین مجلد)

تکرار قات روتر راجع بایران

بوم شبیه - سفرای روس و انگلیس دربار آمده ساریک

ساعت کالی با ایشان صحبت داشت که مرا در قبول مشروطیت

هیچ گونه عذری یست تمام مخافات از ملاحظا بوده است

ملاحظه بی انتظامی مجلس گذشته و پیش یابیدن

واقعت هرج و مرج و تحسب وکلای جدید قانون

انتخابات با کمال دقت مسوده خواهد شد

دیروز در دربار مجلسی انعقاد شده مرکب از چهل

فر شاهزگان واعیان و تجار و فرطانی هم از طرف شاه

در آنجا خوانده شد که انتظام مورد سلطنتی و فرمان

برداری شاه را حاوی بود، ولی در ماده قانون انتخابات

وکلای دارالشورای ملی هیچ ذکری در آن فرمان نبود

حیل المتین

چه قدر مایه سر شکنگی نوع روحانین است که

هر عیب و تقصیری را که عینون با حدی یست بگردن علما

می اندازند، و گویا این طایفه از نام و تنگ خود بلکه از

توهمین دیانت حقه اسلام هم هیچ پروا ندارند، همین قدر

جای شکرش باقی است که جمیع بایندگان دول این نکره را

دانستند که جمیع علمای بزرگ شیعه و سنی مشروطیت

را عین شریعت دانستند و وقتیکه شاه شخصاً ساری مخافات

نهاد چند سربازانای پیدین را زور رشه با خود به حق

ساخت حالاکه ابواب چاره و بر خویش بسته دیده این

کاسه را هم بر سر این بی غیران بی ناموس می شکنند

و در ظلم تمدن آنها را مورد طعن و ملامت جمیع ملل

قرار میدهند و اینقدر حسن النسابت در آنها یست که

این تنگ و طار را درك نموده از خود دفع نماید

(او مظالم برد و دیگری زر)

(۹ ذیحده ۴ دسمبر)

خبر روتر از طهران خبر میدهند که وزیر خارجه

ایران در جواب اعتراض نامه سفرای روس و انگلیس

در ابطال رسمی مشروطیت و تعطیل ابدی پارلمان

رسماً اظهار داشته که شاه از روی ایقان مصمم است

پارلمان و مشروطیت سلطنت را برقرار گذارد ولی قوانینش مطابق با شرع و موافق با مزاج ملت و مملکت باشد

«جلالین»

عزیزانند که کوشش شاه و زحمت درباریان و چند کور مصادف که در ابطال مشروطیت ایران از یک و نیم سال پیش طرف نموده تمام به جا و حد رسیده است. جمیع دول بلا استثنا انکار از ابطال رسمیت مشروطیت ایران نمودند. حالا که ازین راه تیرشان به سنگ آمده تاچار ازین شاخ آن شاخ بریده ازین ستون بآب ستون را برای خویش فرج تصور میکنند. ولی این نکته را هم ابرایسان نیلی سست عنصر باید بدانند که اجرای قوانین مشروطیت را بقوه ملیه باید نمایند و یقین بدانند که هیچ دولتی این خدمت را برای ایشان انجام نخواهد داد. فقط ازین امر مطمئن باشند که به ملا بازی و حیل سازی دربار مشروطیت رسمی ایران را باطل نتوانند نمود

یعنی شاه بدون امضای ملت از خارجه قرض رسمی نمیتواند کرد امتیاز نمیتواند داد مملکت نمیتواند فروخت ازین رو ملت آورده باشد و تمام قوت خود را صرف افتتاح پارلمان و اجرای قانون اساسی خویش دارد که بالاخرین یأس و فتوری که برای دولتیان مستبدین رسیده و شیفته ارمان آنها را بسنگ زد هما یأس از ابطال مشروطیت است

«یضاً»

مخبر روز از طهران خبر میدهد که مجد از طرف شاه اعلان ابطال مشروطیت و تعطیل ابدی پارلمان را در اوراق بزرگ بر درو دیوار طهران می چسباند

«یضاً»

شاه رسماً انکار میکند که اعلانی که برخلاف مشروطیت و ابطال پارلمان مجدداً بر درو دیوار طهران چسبانده شده بدون اطلاع وی بوده. ازین رو حکم داده است که مرتکبین را گرفتار نموده سزا بدهند

«جلالین»

اینها تمام بازی دربار است دو مرتبه خواستند به یلند آیا جواب های شان را به نایندگان خارجه میتوانند نصیر دیگر نمایند یا نه؟ و نیز ملتت شوند که چه از طرف ملت و چه از طرف نایندگان خارجه مجدداً اعتراض بر این حرکت مجنونانه می شود اگر شد انکار نموده یکی دو نفر را گرفتار می نمایند. ورنه عقل سلیم قبول نمیکند در بای تخت باوجود وزرا و دربار و با اینکه تمام مطابع تحت نگرانی دولت است اوراق باین بالا بلندی بصدقه شاه طبع و بر در و دیوار های شهر چسبانده شود پس از دو روز آنهم بعد از اعتراضات شده اظهار ناطقانه نمودند دوباره تردید نمایند

«یضاً»

وقایع نگار روز با شاه ملاقات نموده شاه بوی اظهار داشته که مراقبن کامل است که ترقی سلطنت ایران منوط به مشروطیت است و رقابیت ملت هم بسته بهمان است ولی چون اینوقت دو فرقه در ایران موجود اند اقدامات عاجلانه مورث افشاش و انقلاب تواند کردید بجهتیکه در دیوار ملحق شده در انعقاد پارلمان بحث خواهد نمود امضای شورای دربار تمام وکلای پارلمان نمیشاند. مجلس دربار کم اقدام خواهد نمود برای مجلس شورای ملی

«جلالین»

طالبان گواهند که ملت ایران در طایفه مشروطیت دوفرقه پیوده و نیستند. سکوت اهالی بعضی از بلاد یعنی بر فشار دولتیان است از ابتدا تاکنون مخالف مشروطیت شخصی پادشاه بوده و این جهات انگشت شمار را هم شاه برای حایه خویش بزور پول و فشار ظلم درست کرده شاه تا جاییکه بتواند مجلس نخواهد داد حالا که رسمیت را باطل نتوانست کرد تا بتواند بلیت و لعل خواهد گذراند ملت باید خود مجلس بگیرد نه اینکه منتظر باشد شاه بدهد. اگر شاه میخواست بدهد میگرفت نام اینها بالش نم است که زیر سرمات نهاده می شود ملاقات مخبر روز هم با شاه و بیان این سخنان توخالی محض آن است که فشار خارجه بر شاه کم سازد

«نقل از روزنامه شریفه ترقی»

«منطقه باد کوبه»

«تلگراف پسر شجاع نظام مرندی بشاه»

(پس از قتل برادر و پدر)

طهران - توسط سپهسالار اعظم به خاک پای بندگان اعلیحضرت اقدس ارواح العالمین فداء
شجاع نظام حسب الامر مبارک از تبریز آمده جمع آوری نوکر دیوان از سواره و پیاده تشکیل آورد و می نمود. بعد از رسیدن اردو از ماکو به مرکز قرار بود حرکت کنند. شب دوم شوال چهار دولتی وارد پسته امامی رئیس پوست آورد همینکه باز کردند مثل توب صدا کرد. شجاع نظام، شجاع لشکر، علی خان حبیبه وانی تصدق ذات ملکوتی صفات شهبازی شده بدانه خان و رئیس پسته و ده نفر از بستگان مجروح تا از این دودمان قری جانند با کمال اطمینان و مباحات نثار جان را در خاک پای مبارک خواهد نمود تاکنون مخارج و تدارک سواره و پیاده از نوکر دیوانی و غیره را آن مرحوم از طایفات دیوانی موضوعه و غیر موضوعه متکفل بود حال هر چه را می چسباند

آردای روح الملمین فداء ملاقه گیرد و مقرر شود و مزید امیدواری و مفاخرت خانه زاده است
خانه زاد (رضا)

تبه

میکوبند شخصی نزد امیر بهادر رفته ادعا کرد که اگر هزار تومان بمن دهی تنها رفته فتنه تبریز را ساکت میکنم که از سر تا پایک بوجه تسلیم و رضا شود اصلا صدا از کسی بیرون نیاید صم و بکم بماند .
امیر بهادر گفت میدهم ، بگو بدانم چه تدبیر خواهی کرد گفت دوبار از خاک طهران حمل کرده به تبریز میبرم در سر چشمه ها می نشینم که بشهر جاری است آن خاک را با آب آنها میبرزم اهل شهر آشامیده مانند طهرانیان بی غیرت و بی حس شده ساکت و صامت می مانند - (جبل للذین) اگر این تدبیر مؤثر باشد دو مشت از خاک خراسان و اصفهان و شیراز که دو حرور خاک طهران را خواهد نمود

عبرت

در این روزها در يك مفازه طهران عکس ستار خان را در زبرجا گرفته نگاه می کردند چند نفر مشقری از زنان در آن مفازه بودند یکی از آنها پرسید که عکس کیست ؟ گفتند عکس ستار خان گفت میفروشید گفتند آری برش از قیمت نمود گفتند سه تومان آن زن سه تومان داده عکس را خریده رفت مردان استهزا کردند که عجب زن سفیه باقص العقلی بود ، زن شنید برگشته گفت من سفیه نیستم غیرت من نه گنجید که صورت آن چنان مرد غبور در دست شای غیرتان باشد

خطابه جان سوز تبریزیان

بجمع برادران وطنی

ای هموطنان

ای ایرانیان برگشته بخت ای جماعت مظلومین تبه روزگار ای بیچارگان حقوق از دست رفته ای ملت آذربایجان احساسات هوطنی و برادری خود را بسپار فرود شا اهلای ایران می رساند ، ولی در ضمن این حسیات بلند بسی نجه های دل خراش و شکایات آمیخته خرابدهای جانکاه که از اعماق قلب گاه فلاکت زدگان فوران مینماید اگر خواب بوشین شاهها را اخلال نکند

بهر است

اینک گوش فرا دارید ، و نیک بشنوید ، این حقیقت نافع را اساس حکمتی بزرگ که هفتصد سال قبل مایه الافکار ادبیات ما شیخ مصلح الدین شیرازی وضع نموده و تا کنون در تمام اقالیم روی زمین مقبول و مصداق کلیه ملل عالم بود بینید چگونه کار و طرز شده است یعنی شیخ سعدی فرموده

(بی آدم اعضاء یسعدیگرند)

(که در آفرینش ز یک جوهرند)

(جو عضوی بدر آورد روزگار)

(دگر عضوها را نماند قرار)

این گفته حکیم و این حکمت طویرا واقعات الحیره ایران بالمره از حکم خویش ساقط نموده و این دو بیت را از تأثیر واقعی خود محروم ساخت ، چه همه دیدند ابتدای یک مملکت که در حکم یک خانواده عظیمی میباشند از درد و کدر همدیگر مطلقا متأثر نمیکردند یک طرف قسمتی از آن خانواده دشمنان انسانیت در خون کشیده و بزرگ و کوچک آنها را بقا میخواستند بکنند ، در این سوی قسمت منبای آنها با تمام آسودگی روزگار میکذراتند ، اینجا یک پاره آن مملکت که خانه اجدادی شان است میان آتش بیداد این استمداد خویش را به اقطار جهان می رساند ، و آنجا اهالی آن مملکت را خبری نبوده و اگر هست ادا آتری نیست آه ای خفته گان بستر بی خبری بخوابید ، بخوابید ، وقتی سر از این بالش غفلت بدر آرید که دزدان ستم پیشه وقت رحلت آدمیت شما را برده و از لباس حقوق انسانی تان طاری ساخته اند

ای تذلل پروران حیانت ! بنشینید ، بنشینید ، وقتی خبردار شوید که دشمنان اعراض و نوامیس شما ، یکباره بشاه های تان سوار شده و تازیانه آتشین استبداد را سخت بگردن تان بزنند و در حکم یک مرکب ذلیل و زبون هر آنجا که دلخواهشان است ، به برند ، آنوقت شما ای ملت مظلوم رکاب آقا شارا بوسه های عجز در داده و آنها شما را بتکبر و تعظم تحقیر نموده و توهین خواهند کرد ، در این حال اگر باز هم زندگی را دوست دارید یا خودتان را آدمی شمارید وای بر شما ، و لعنت بر آن زندگی و اسف بدان آدمیت

ولی باید بدانید که ناچار و از روی اضطرار شما را به اینگونه حالات وادار نموده ، و بتدریج یعنی از مادیات شما که بفرافت حاصل نموده و هر آنچه داشتید از کفتمان ربودند ، کم کم دست در مضمویات شما ها زده و بتاراج اخلاقیات خواهند پرداخت ، بطوریکه عزت نفس سیادت طبع ، غیرت و حمیت ، مردی و مردانگی ، و تمام ملکات فاضله انسانی را از شما تزع نموده برای اینکه مطیع صرف و فرمان بردار خود سازند شما را محروم از علم و دانش کرده تبلی ، بی طاری ، بی شرفی ، را در اخلاق شما جایگیر خواهند کرد

برخیزید ! ای ایرانیان مسلوب الحقوق برخیزید ! ای ظلم دیده و فلاکت زدگان غافل و جاهل برخیزید ، بشتق اولاد و عیال خویش و بخاطر استقبال آنها بکوشید ، و سعادت آتی آن بچارگان را تهیه نموده و خود را از لعن ابدی برهائید

برخیزید ! و افتخاری سود باسلاف خویش را کنار گذاشته و خود را علت افتخار برای اخلاف خویش قرار بدهید که اقتضای سعادت نوع بشر باختلاف زمان و مکان مردم هر عصر را وظیفه مخصوصی معین نموده است که اگر یکی از آنها در ایام آن قصور نماید ، اختلال ابدی سعادت مخلوق خدا را حاصل نموده و بنابر آن الی الابد مظهر لعن و طعن فرزندان خویش نسلاً بعد نسل عمراً بعد عصر خواهد شد آه و احسراً که از شامت استقبال و فلاکت آینده خویش شمارا چنانکه شاید و باید خبری نیست ، و روزگار سیاه خویش را از پس برده های جهل و همی امکان دیدن ندارد

ای جماعت ایرانیان ، وطن عزیز ما در بهانه بجران عظیمی دارد دست و پا میزند که بانکه غیرت و فعالیت ما بالاستیقان بهبودی را حاصل کرده سلامت و سعادت ابدی را خواهد یافت

همه را معلوم است که سه ماه و نیم قبل بر این ما تدارکات سری که از جنبدی قبل حاضر داشته بودند شهریار ظلم شمار ما دارالامان مال و جان جهل کرور مسلمانان ایران یعنی مجلس شورای ملی ما را با توب طراب ، وکلای مات و علمای عدالت خواه را بدار کرده به مسجد اسلامیان و قرآن خدا بی احترامیها نمود

و آن اقتضای کارها که در طهران بظهور آمده ، حیثیت ملیه و ایرانیه ما را توهین و تحقیری بود که این لکه بدنامی را غیر از خون پاک فرزندان ایران مطلقاً چیزی نمیتواند از صفحه ملیت ما زایل نماید . آنوقت بهر نومی بود از یک طرف بواسطه بعضی شیاطین انس که امر را بجهت مات مشتبه نمودند و حقیقت حال را مستور میداشتند و از یک طرف به پاره تهدیدات خشک و خالی هیجان ملی را در ولایات اسکات نمودند

ولی عقول سلیمه تسلیم داشتند که سکوت موقت فاصله اندکی منقلب بیک هیجان و انقلاب بزرگی خواهد شد ، که لشکر سلم و تور را از قاعه آت همز و قنور در کار بوده و طاقبت این فاجعه الیم و این خوربزی عظیم علوان سعادت ایران و ایرانیان را تشکیل خواهد کرد

در حقیقت ، این کار از آنچه مینمود هم سهل و آسان تر بود و این نکته را امروز جریان واقعات ایران بوضوح هر چه تمامتر در پیش چشم طالبان بگذارند بطوریکه اهالی آذربایجان بویژه تبریز که از اوله کار برغم تمام ایالات ایران که قد مردانگی خود را از آن میان بلند نموده و در سابق غیرت و شجاعت جوانان شیر افکن خویش کردن بر افراشته سر خود را در پیش هیکل منحوس استبداد تضرع خم نموده کارفرمایان استبداد و درباریان بی شرف که دور اهلحضرت جوان ما را گرفته اند بالاجبار تمام قوتی را که داشتند بالجله به آذربایجان سوق کرده و در صدد اسکات غلبان خون حبت این مشتی حریت جوان سر بکف نهاده برآمدند

آن چنان اردوشی که بقول خردش از اول سلطنت آل قاجار تا حال در ایران تحسید شده بود با آن تدابیر عملی و صرف تقدیر که از ترهین ذخایر و نفایس تاریخی ایران بدست آورده بودند و یازده نفر سرکردگان غبور شجاع دولت پرست همگی بهدار اعظم سالار افخم سردار نصرت میدانم چه و چه که در موقع خویش اسامی همه آنها را درج خواهیم کرد و بقول نریزان هموماً (نهکیسه) استبداد و هر یکی بالاخراد مایه ابد واری دولت بودند چنان رجعتی را

دچار گردیده و بنوعی هزیمت یافته که باید گفت از اول سلطنت آل قاجار تا حال مسلماً وقوع نیافته بود اکنون که کراستبداء شکست و باسطلاح عوام کنفکیر به دیک بر خورده است تاجار نسبت بپاره الفاظ عوام فریب نموده و بدین واسطه میخواهند شجده دیگر در آورند ، یعنی هر نوعی میخواهند امرار وقت شده بلکه از طول مدت کار خود ملت بستوه آمده باشند ولی خیال محالی است که در لوح فکرت آقایان قش بسته چه آنچه شدن بود همت آذربایجان شده و آب از سر شان گذشته است ، اینها سخت مصمم هستند که از گرسنگی بمیرد و خود را اسیر این و آن به بلند مسلم است تا این حال صکه درباریان فقط با یک ایالت آذربایجان مقابله نمیتواند ، اگر از اول کار سایر ایالات و ولایات ایران با ایشان هم آواز میبودند کار پایجا ها نکشیده و شاه در ششدر حیرت مات گشته و ایرانیان اسب آرزو را بی این همه خونریزی و تحمل خسارات سوار میشدند

ولی چه سود که این وظیفه را بجز از چند قطعه ایران (کرمان ، کرمانشاهان ، طالش ، گیلان) سایر هموطنان ما ایفا نکرده و رجسارت درباریان افزودند ، یعنی از اطراف مملکت فراغت حاصل دیده و مجرد بآذربایجان تاختند ، و این قطعه را هر سه مظالم و طع مازی خونین خود ساختند

اینک نتیجه حیرت افزای آن که مشهور طلبیان وطنی را از آن ، انگشت نخبه دهان است ، پس ای حیتمندان وطن ، ای اهالی قطعات مختلفه ایران ! اکنون موقع آنست که یک جنبش همومی و قیام متحد سر با خواسته و با آذربایجان که امروز حصن حصین مشروطیت ایران است همدست وفاق و اتفاق بوده کینه آمال خویش را از دست تصرف خاصه اصحاب فیل و ارهائید . و یقین بدانید ، همان آن که این نسبت علوی را بنمائید . حریت ، مساوات ، عدالت را بوز فیروز استواری و اساس ملیت و ایرانیت را ضامن بیداری و ابدیت خواهد بود

برخیزید ای ایرانیان! وقت فرصت گذران است ، برخیزید که زندگانی پشرف عین خسران است ! برخیزید که شهیدان وطن را دیده انتظار بسوی شما نگران است ،

وگرنه ، نرسم که فردا سفیر استیزای جهان آمده بگوشتان برساند که
(الآن قد ندمت و ما یبغی الذم)

روسی سخن بطرفداران استبداد است

ارباب حکمت و فلسفه را عقیده بر این است ، فکر حقیقی را از به احتیاجات زندگی مخلوق خدا وقتیکه در میان مادی بر افتاد صورت ابدیت پیدا میکند یعنی همان فکر حقیقت تا اقراض عالم با نوع بشر توأم بوده و بی آنکه در عصری از اعصار مفارقت نماید راه ابدیت خواهد پیچود .

همین گفته حکما و فلاسفه را اگر نخواهیم عملت خود فهمانیم عبارتی که سهل و ساده و قریب بذهن قارئین ما گردد باید بگوئیم ، مادی که (بعد از جلدین قرن تحمل به فشار ظلم خود کامی و هوا پرستی بزرگان خویش) داشت که عدالت بجهت نوع انسانی از ترسگترین لوازم زندگانی است دیگر محال است یک وقتی آنرا فراموش نماید ، و برطاق سیاست گذارد بلکه همان طوریکه بجهت خود و زیر دستاش آذوقه از قبیل خوراک و پوشاک جمع میکند . در تحصیل این یک لارمه زندگانی هم دائماً سعی خواهد کرد تا روزی که آنرا بدست آورده و اسباب آسایش خود را کاملاً فراهم نماید .

این یک حقیقتی است بس علوی که هیچ صاحب مدرکی در بدرفتن آن دچار شبهه و تردید نمیکردد و اقامه دلیل و برهان بجهت اثبات آن ندارم که از زواید میباشد ، چه بر واضح است که از اول خلقت تا آخر دوران جمعیت بشر همیشه محتساج یک حکومت مادی بوده است که هر گاه از طرف جسی یا فردی راحت و سعادت جسی دیگر یا فردی دیگر نخواهد خلل یافته و انتظام زندگانی شان به هم بر خورد آفتاب همان حکومت مادی که فقط برای تکمیل آسایش و سعادت مخلوق خدا از طرف خود ملت منصوب و معین گردیده است مداخله بکار شان نموده و حق هر یک از طرفین را بخودش فیهانده و هر کس را سر جای خود می نشاند و همین واسطه جانب و مال و بالجه حقوق هر کس از تجاوز دیگر کس محفوظ مانده

اوه در دایره خویش دوره حیات قبی را فراغت و حضور و راحت میگذرانند .

برعکس آن اگر يك اداره ظالم و مستبدی بر بندگان خدا حکمرانی باید محال است کسی (ولو ملیونها دارائیت داشته و اسباب راحت و سعادت را کاملاً فراهم دارد) قسی به آسودگی کشیده و در راحت بگذرانند، چرا که باوجود حکومت مستبده ممکن است لطایع الطريق راه آموشد را بروی خلق بیندند و اشخاص رذل و مردمان پسر و باجهان و حال ملت مسلط گردند و آذوقه آنها بدست مختربین اصناف افتاده و پول نقد در دست از برای نیم تانی معطل و سرگردان بمانند و خطای یکی را از دیگری باز جویاست کتد و بجبهه فراهم کردن خواهشات قس يك سلطان جابر يك مملکتی وسیع را سر تاسر باخون ملتی رنگین کنند . و وقتی که مجز خود را در کار بکنند به یتن راه آذوقه سیصد هزار قوس اسلامی و غیره اقدام کرده و در ماه رمضان که خدا برای احسان و طلب خیران مخصوص فرموده فقرای يك مملکتی را از گرسنگی قریب هلاک و مملکت را قریب استهلاک نمایند و رؤسای عدالت طلبان را سر برند و شکم درند و بدار برد و اطفال مصوم را که محبه استرحام قرارا در دست گرفته و بشفاقت بروند باکلام الهی هدف کلوفه سواران فرمان ده روسی نمایند، و اولین مکان مقدس يك مملکت اسلامی را بعد از آنکه با توپ خراب کنند طوبه اسپان سپاه استبداد عمده بجای صوت قرآن و صدای تکبیر و تهلیل که هر شب از آنجا بلند میشد ناله ن و نمه طلبور را با تقلبات فواحش برآمیخته ز روی عناد . بکوش مسلمانان يك پای تخت ملك اسلام برسانند همه این مراتب چنانکه گفتیم باوجود يك اداره ظالمة مستبده ممکن الوقوع و با این حال مسلم است که يك جهان داریت و یکدلم نروت بدیناری نیرزد و جزئی قیده هم از آن نمی شود برد .

خصوص ملتی که همه اینها را دیده و تمام این راه را در نور دیده باشد البته بطور وضوح خواهد دانست که عدالت جزو اعظم احتیاجات زندگانی بندگان خداست پس قبل از آنکه دست بکاری زند دامن همت و مردانگی را بر کر زده و پی تحصیل آن بر میخیزد

هیچ ملتی و هیچ حائلی در این راه از هنر مشرآمدت نبردند، دار و ندار خویش را وقف استعمار بود که مقصد نموده و حیات خود را در این راه وقف تغییرات زیرا که - بخوبی میداند که اگر در دست باید.

این نخستین لازمه حیات موفق نگردد لابد در بعضی ظلم یا خود کشته خواهد شد و یا کشته شدن پسر و برادر و و و و و خود را بچشم خود خواهد دید که هزار بار - سخت تر از مرگ است

خانه و لایه خود را بر باد میدهد و خوش میباشد، هزاران جوانان رشید را قربانی و هلاک مینمایند و این افتخار می بندارد .

بالجمله ، در این محامدت مطلقا حسرت نهد، و از طول مدت آن ابدأ قنوری برخود نیاورده ، شب و روز کار کرده ، از دست رفته و از پاسیه نمی نشیند ، تا دامن مقصود بچنگ آرد ، و فرقه افتخار بفرقدان ساید ، و خود را نمونه امثال نامی ملل عالم سازد ، و کوس همت و شجاعت را بر بام نیک نامی قرازد ، و تا جهان است تاریخ جهالت صفحات خویش را بنام نامی شان می طرازد

این است معنی قول فلاسفه حکما ، این است خلاصه الخلاصه سرگذشت حیات ملل ما ، که پیش آمد کارها را در پیش چشم هر کسی که اندک شعور و مدبرک دارد ، بوضوح هر چه نامنر میگذاریم

اکنون، شما ای طرفداران استبداد، و ای بنایندگان پدر ظلم و بیداد ، و ای فرستادگان زنده کتفه نام فرعون و شداد ، خوب است موقع خود را بدانید و بدانید که مقاله شما کیست ؟ و براسیے چیست ؟ حینا که جاهلید و از وضع دوران و اقتضای زمان بکلی بیخبر ، نمیدانید که در این عصر بیستم که آفتاب عدالت تا بزوایای جهان مدنیت شسته باراست برخاستن شما به احیای آثار شهادی اثر جنون ، و یا خود از ایجابات جهالت و نادانی و بخبری در شمار است

از اول نصاب مشفقانه ملت را نشایدید ، و تا اندازه ثمرات تلخ تجربه های ناهنگام خود را چیدید ، و جرعه از این شربت زهر آلوده چیدید ، بانید تا این بازی چسکباره بسر آید و شاهد مقصود هر که را خواهد پیر آید

شود ولی بر مسائل خلافتیه قبل از انعقاد کابینس مخبره باید نمود

§ روراجات (آلمان) اشاره بر لطق (سرادوردگری) وزیر خارجه انگلستان نموده می نویسند که ما را یقین حاصل است که دولت انگلیس قوای بحری خود را جهت سیاست دولت خویش زیاد و مستحکم می نماید - لذا دولت انگلیس را هم لازم است دو استحکام قوای بحری آلمان بهین هیچ تصور کند

§ المساس هائی که از معدن مستعمرات انگلیس در آمده قیمت آن نهمیناً ده ملیون لیرا میباشد - دو قطعه اعلاسه آترا ماکه (الکزندرو) زینت کلوی خود ساخت - پادشاه با وجد تمام اظهار نمود (بسیار خوب - بسیار خوب)

§ پادشاه یونان از (روم) بدارالسلطنه خود رجعت نمود
§ رئیس جمهوری (کاسترو) در (اروبا) جهت معالجه خود میآید

§ از (اسلامبول) خبر رسیده که باغبان هرپ بر مدینه حله آورده حکومت آنجا (۴) بتابن کک خواهد فرستاد

§ تلگرافی از (اسلامبول) رسیده که نماینده دولت (آستریا) به بابعالی شکایت نموده از اینکه اهالی را حکم شده اجناس آستریا را استعمال نه نمایند - دولت (آلمان) هم مؤید شکایت (آستریا) شده است

§ بین شاگردان مدارس آلمان و ایتالیائی در دارالعلوم (ویانه) مخالفت و اغتشاش شده - (۱۹) نفر مجروح و دارالعلوم را موقتاً مسدود و (۲۴) نفر از شاگردان گرفتار شده اند -

§ قرار نامه در محاکمه تائی بر واقعات (کاسابلنکا) امضا یافت و در موسم بهار آتی مجلس منعقد در (هیگ) ترتیب خواهد یافت -

§ سلطان عبدالعزیز از (کاسابلنکا) بسمت (انجیر) رهسپار شد -

§ بموجب خبری که از (اسلامبول) رسیده مخبره بین (بنزار) و بابعالی موقوف شده چه دولت (آستریا) میخواست که بابعالی بر مسوده قرار نامه دستخط کند بابعالی قبول این امر ننموده و اظهار داشته که مسوده قرارنامه در شورای دول پیششود - سفیر (آستریا) در

اول اخبارات تلگرافی خارجه

از ملاقات پادشاه یونان و پادشاه (ایتالیا) فریدیکتور تینونی صدر اعظم ایتالی هر که را عقیده آرت بسیاری از اعیان مملکت یونان را در (روم) خواسته اند -

§ اعلان رساله در بلگرید اشاعت یافته که دولت (آستریا) مقدار زیادی باروت در مقام (سیو) جمع کرده - و در سواحل های اقصای (دنیوب) قشون فراهم آورده ازین رو اطارت (سروبا) اهالی را نمی تواند از شورش باز دارد - تلگرافی هم از (بوداپست) رسیده که قشون (سروبا) آنطرف دریای (دنیوب) در مقام (سندریا) بر مهندسین (آستریا) که بجایش اراضی می نمودند شلیک تنگ نموده اند -

§ (ستر هالین) در (گنورد) ضمن لطق خود دیشب اظهار داشت که اینوقت همه قسم املیت حاصل است - الا اینکه در ملک خارجه انتظام قشون مدرجه کمال دیده می شود - ازین رو لازم است که ما هم تدارک بدرجه کمال به بیام - و ما امیدواریم که بین یک دو ماه (۱۶۰۰۰۰) قشون آماده توأم نمود -

§ بدوی های که در مکه معظمه هزیمت یافته بودند مجدد اجتماع نموده ولی با شکست سخت عقب نشستند - فوج کک معاونت فوج سامانی فرستاده شده -

§ در بودجه بحری دولت (آلمان) زیادتى صرف (۳۰۰۰۰۰۰) لیرا نشان داده شده - از این مبلغ سه جهاز جنگی و یک جهاز بزرگ و دو کوچک و چند کشتی موشک و یک دسته فوج بحری آماده خواهد شد - و از همین وجه (۵۰۰۰۰۰) لیرا در تعمیر کشتیهای محافظ داخله صرف خواهند نمود

§ پادشاه و ملکه (سوید) بطرف وطن خویش رجعت نمودند -

§ پادشاه و ملکه (سوید) وارد (باریس) شده - (پریسندنت فلاریس) رئیس جمهوری با پذیرائی شایان استقبال نمود

§ جراید روسی (آلمان و آستریا) می نویسند که ما را عذری نیست که درباره مسئله (بالکان) کابینس

(سوفیا) رحمت نمود - جریده (طمس) می‌بویسد که دولت مریکا خواهش دولت چین را پذیرفته و مجلس شورای ترك تريك را تا اول فروری تعطیل نمود § در مجلس شورای ملی انگلستان (مستورسمین) تحریک نمود و مسوده قانون را در تعلیم پیش نمود تریاتی که شده شاید همگی قبول خواهند کرد -

§ دولت روس در (دوما) مسوده قانون ستراضی را پیش نموده - (۴۰۰) ملیون روبل باید استقراض شود - مباحثه در این باره بحرمانه خواهد شد -

§ در ممالک عثمانی اگر تا دوم دسمبر استعمال اشیاء (آستریا) ممنوع باشد سفیر (آستریا) از باجالی برای زمان دراز خارج خواهد شد

§ مجلس شورای ملی فرانسه بر میزان قوی بحری خود بحث می‌کند (مسیو بیکارد) وزیر جدید اداره بحری ضمن نطق حضور دستورالعمل ترمیمات تازه را قدیم نموده - دستورالعمل از دیاد تریپ‌خانه و جہازات بزرگ حدکی و کشتی‌های موشک و کشتی‌های ساحلی برای محافظه سواحل داخله نیز شامل است این تحریک با اکثریت آرا امضا یافت و تبریک به وزیر مزبور گفته شد -

§ اعضاء کبسیون اداره عسکری فرانسه تحریک دولت را درباره تریپ‌خانه امضا نمود بموجب این تحریک اردناد تریپ‌جیان از ۴۰ رژیان به ۶۴ ترقی خواهد یافت و تریپ‌خانه ۵۰۶ ۶۳۴ خواهد رسید از این رو هر قوسی که دارای ۱۲۰ قشون باشد ۱۹۲ نویچی را در خواهد بود -

§ در بازار صرافان سندات استقراضی و تجارتی را نزل عظیمی روی داده چه اخبارات موحشه درباره (بالکان) میرسد - از اشتهارات رسناه هیچ حصول قاید نشده است -

§ بر اخبارات (ویانه) و (پترسبرگ) درباره کافرنس بین‌الدولی مناقشه زیاد می‌شود - عقاید اهالی (ویانه) اینست هر يك از دولین (آستریا) و روس را خیالات جداگانه میباشد - در مجلس شورای ملی فرانسه (مسیو پشیون) در خصوص امور خارجه اظهار داشت که امیدوار است بین (آستریا) و عثمانی اتفاق رای حاصل شود و براسیے انفصال خسارات (سرویا) و (مونی‌نگرو) دقت واقع نمود -

(پریسیدنٹ فلاریس) رئیس جمهوری فرانس در جواب خط امپراطور (آستریا) نوشته که دولت فرانسه در رفع مناقشات بحیث سابر دولت مساعدت و مظاهرهت خواهد نمود - وزیر مختار دولت عثمانی مقیم (ویانه) با (پرون ایشمال) اظهار داشته که برای رفع محاسنت استعمال مصنوعات (آستریا) می‌خواهد کرد -

نشریحات جناب اخیرة تبریز و فتح

کامل مشروطین و شکست اردوهای

(عظیمه دولتی و فرار عین‌الدوله)

(وسایر سرداران دولت رسماً)

نقل از روزنامه انجمن تبریز

واقعات تا جمعه ۲۸ شعبانرا نوشتیم سپس سواران سرحد و پورنجی و سربازان قزوین که سنکرهای عله (نور) هجوم آورده بودند از طرف مجاهدین عله مذکور هنگامیکه شدت مدافعه مینمودند بومی انداخته شده و هفت نفر از مهاجمین کشته شده متباق دو به فرار و کشته های خود را هم گذاشته بودند چهار نفر مقتولین را که ممکن بود حاجی رئیس سنکرهای مذکور فرزند کرملای علی مشهور موسیو برداشته و آورده بعد از غسل و تکفین بطوریکه لازمه اسلامیت و انسایت است بخکان سپرده بودند

حقیقت جوانمردی و انسایت را باید دید با وجود اینکه حضرات طرف مقابل شهدای مجاهدین را که احیاناً بدست شار می‌یافتند نهایت بیرحمی هر آنچه را که میخواستند تا جایکه آتش زده و بسوزانند مضیقہ میکنند مع مانیه این قسم حرکات اسلام پسندانه مجاهدین غرور در مناسبت وقاحت عمل آنها... ممکن نیست بدون عرض تقدیر و تحسین نگاشته شود، چنانکه يك نفر از افراد مجاهدین طایفه نجیبه کرجی که بواسطه عدم شناسائی دوست از دشمن گرفتار دام خدمت حضرات شده بود بعد از کشتن بیچاره را مقله نموده و پس آنچه را که بر جسد بیروحش روا داشته اند قر از نگارش آن عرض اعتذار مینماید بی اینست کردار ما و آنست رفتار شان...

همان روز را با وجود اینکه نامی قوت موجوده خود را بخرجه دادند و به (مازالان) و (خلیبان) و

(نور) و (بازار) و (امیر خیز) و غیره از چندین طرف هجوم آوردند و از سه طرف شهر را از نه نقطه یعنی از طرف باغ صاحب دیوار و (کوه زرد) از چهار نقطه، طرف کوه (عینلی) از سه نقطه طرف آبی از دو نقطه توب بسته بودند، ممالک کاری نتوانستند سهل است بلکه نومی دچار انزمام گردیدند که تا قیامت تانی آن را فراموش نخواهند کرد

شب و روز پست و نیم شبان را بدون انفصال از طرفین بصورت تدائی و تجاوزی عماره بر دوام بود و اتصالاً صدا های توب و تفنگ شنیده میشد ولی حلول ماه مبارک رمضان اوضاع هر دو طرف را بالطبع تغییر داده و از اول ماه که روز یکشنبه شد میتوان گفت که تا دو سه روز زد و خورد از طرف سنگر های خیابان و بوبر و مارار تا اندازه کسب ساکت داشت، فقط اردوی ماکو در کنار رودخانه آبی بنا های خط راه شوسه روسی و توی رودخانه آبی را مأمور و معقل برای خود قرار داده با مجاهدین امیر خیز زد و خورد داشتند، چون ملاحظات حقوق دول از طرف جناب سردار مدفن شده بود که به بنا های مذکور توب اداخته شود، لهذا حضرات هم این معنی را فهمیده و تا بدرجه باعث حرأت آمان شده بود، چه بخوبی میدانستند که بنا های مذکور را توب نخواهند زد

روز چهار شبه چهارم را -واران مأمور عهد شتران عرض شده و دسته حات دیگر مجایشان گذاشته شده بود، این سواران جدید بقصد زور آرمانی خواسته بودند که هجومی بیاوند و فی الواقع شب را از دهنه خیابان و دم حرمخانه و جبهه خانه بسنگر های مجاهدین تعرض نموده و در مقابل حریف را سخت پر زور دیده آهسته عقب نشسته و بک سنگر خود را هم از طرف حرمخانه و عنوان فدیه سوه ادب و مجاهدین ترک نموده و محض اینکه نصیبی از ظولت بازار داشته باشند دلازه زن بزرگ را که در منطقه تصرف خود شان بود غارت کرده بودند

و همان شب از عهد شتران به امیر خیز هم تعرض رفت ولی مثل سایر اقدامات حضرات بی نتیجه مانده بود حضرات مأمورین محکم عهد شتران در این اواخر

از کمال باکی طینت و حسن طوبیت خویش خیال آن دارند راه آذوقه شهر را که امروز از هر طرف سدود فقط با محصر برآه سرورود است هم ببندید و در این باب اقدامات هم نکار برآند، ولی از قرار معلوم حضرت والا عین الهدیه راضی نشده اند الا آن راه گشاده و آذوقه شهر هم کم کم میاید

روز سه شبه سیم ماه جناب قاسم خان امیر تومان رئیس سابق بلدیة تبریز بعد از ظهر مانجمن مقدس ایالتی تشریف آورده و از طرف حضرت والا شهزاده عین الهدیه باره پیغامات که مشعر بر حسن بیت ایشان و در تبلیغ و بجهت فیصله امر محلی تکلف نمودند که متشکل از منتخبین مات و مبعوثین از طرف حضرت والا بوده و جناب مستطاب آقا میرزا محمد تقی تشریف داشته باشند، مدلول پیغامات حضرت والا این بود که دولت در اعاده حقوق مات حاضر است ولی در اطراف مسئله يك دو مجلس باید مذاکره نمود و این گفتارش را خانه داد

همان مجلس ده نفر از آقایان اعضا که عبارت از جناب حاجی شیخ علی اصغر - جناب آقا میرزا حسین واعظ - جناب حاجی مهدی آقا کوزه کنان - جناب احلال الملک - جناب آقا میرزا اسمعیل - جناب آقا میرزا محمدتقی آقا - جناب آقا میرزا سید حسین خان - جناب آقا شیخ محمد خیابان - جناب آقا میرزا آقا رشیدی - جناب حاجی محمدتقی آقا بوده باشند از انجمن مقدس منتخب گردیدند و مجلس هم شب پنجشنبه پنجم در دولت منزل جناب اقبال لشکر مقرر شد

همان شب را آقایان تشریف برده ولی مبعوثین طرف حضرت والا هر صورتی بود تشریف نیاوردند غیر از خود جناب قاسم خان امیر تومان که دگرش در فوق گذشت،

خلاصه مذکورات این بوده است که مبعوثین ملت اظهار نموده اند که اسباب رفع محاسن ملی را اگر بخواهد بیک کلمه اعلان انتخابات و افتتاح مجلس شورای ملی میتواند در نیم روز ملت را اسکان نموده هر کس و همه چیز سر جای خود با کمال نظم و آسایش برقرار شود و حقیقت حال هم واقع این بود

جناب امیر تومان هم تصدیق فرموده و قرار شده بود که تا عصر روز پنجشنبه دستخط لوکاه را دایر به اسما

مطالب ملت به انجمن مقدس ایالتی بیاورند

عصر روز پنجشنبه بطوریکه وعده فرموده بودند تشریف آورده و از طرف حضرت والا اظهار داشتند که ملت طلبات خود را بجناب مستطاب آقای نقته الاسلام بنویسند. جناب ایشان هم این آن را برای من فرستند که سبب را حضوری با طهران سؤال و جواب خواهم کرد. اگر چنانچه موفق شده دستخط ملوکاه بهرجه که ملت درخواست میباشد اصدار کردم فها و الا رسماً میگویم از مأموریت خویش استعفا خواهم کرد

لذا مشروحه ذیل از انجمن ایالتی بجناب مستطاب آقای نقته الاسلام نوشته شد

برض عالی میرسانم - چون بندگان حضرت اشرف اسعد والا شاهزاده هین الدوله دامت شواکته العالی برای تبلیغ مطالب ملت وجود ممدود حضرتعالی را معین فرموده اند، لهذا مبادرت بمرض این مختصر مینمایم چنانکه مکرراً عرض شده خلاصه مستدعیات ملی عبارت از اعلان انتخابات وکلا و افتتاح مجلس شورای ملی است که دستخط ملوکاه شرفصدور یابد - حکام تمامی ولایات و ایالات انجمنهای قانون را دابر نموده و مطابق قانون مشروطیت با ملت رفتار نمایند و شروع با امر انتخابات و اجرای قانون اساسی بکنند تا میبجان ملت مرتفع و آشوب مملکتی زایل گردد - زیاده عرض نداریم

پاکت را خود جناب امیر تومانی بجبهه آقای نقته الاسلام بردند - ولی تا امروز که یکشنبه هشتم ماه است نتیجه بظهور نرسیده و از اقدامات حضرت والا اثری مترتب نیست - در این باب افکار عامه ملت اینست که همه اینها بالنسبه نرم زیر سرملت نهادند و با این گریه رقصانها امرار وقت نمودند و بالاخره مازی دیگر در آوردن است

از قراریکه بتواتر پیوسته مجدداً دولت سپیدار چندی قبل از مأموریت خویش استعفا داده و گویا قبول هم شده است - مومی‌آله از باغ صاحب‌دیوان اشکاک نموده و هر قرب آنجا دامنه کوه (زرد) را مخیم خویش قرار داده گویا در شرف حرکت برنگستان میباشد

اعظم وقایع این سه روزه دو فقره فتوحات مجاهدین خبوراست که یکباره امدهای وابستین استبداد

را مبدل بنومبیدی گردانید ، یکی از آن دو گرفتار (سر قله) که بلند ترین قله شبر تبریز و در میانه اردوی باغ صاحب دیوان و محله شتران واقع بود

این فتح بزرگ عصر روز جمعه سیزدهم آفاق افتاد ، بطوریکه سواران دولتی که در (سر قله) مشغول ساختن سنگر برای خودشان بودند عده از مجاهدین محله خلیانان از طرف (قوری جای) عبور کرده و با آنها حمله میبردند، عده سواران دولتی در آنجا زاید بر یکصد نفر بوده است این جمع تقریباً سه ساعت در مقابل آن عده قلیل همین قدر توانستند مقاومت نمایند یعنی سطوت مهاجمه مجاهدین پیش از سه ساعت آنها را بحال درنگ مداد و وقتیکه هر سه را تنگ دیدند راه فرار پیش گرفته و هم جای از آن ورطه بدر بردند و موقع مذکور که مخصوصاً از نقطه نظر جنگ اهمیت بزرگی را داراست بتصرف مجاهدین خلیانان در آمده و راه اردوی باغ صاحب دیوان که در سمت (باغ میشه) از پایین (سر قله) میگذرد از همان ساعت به اختیار مجاهدین مذکور رفت

این مسئله حضرات را سعت ناگوار آمده و محض بامید اینکه دوباره نقطه مذکوره را بتصرف خود آرند همان شب را یعنی شب شنبه چهاردهم با یک قوت بزرگ به همان جا یورش آورده و دو ساعت و نیم از شب گذشته شروع به جنگ نمودند - ولی از شومی طالع شجاع نظام مرندی کاری از پیش نرفت یعنی تا چند ساعتی بشدت هر چه تمام تر زد و خورد بوده و نهایت الامر سواران دولت تا دو نفر مقتول و مجروح مجبور بر جنت گردیدند

فتره دریم از فتوحات این دو سه روزه مجاهدین هزیمت نایب اردوی ماسکو است که روز یکشنبه پانزدهم آفاق افتاد

البته معلوم مطالبه کنتدگان است مگر این اردو برسات هزیمت خان ما کوئی بعد از آن که دفعه اول (روز جمعه چهاردهم شعبان) با سه هزار نفر از اکراد عشایر و سواران ابواب جوی سرکردگان خلوی بی چربلی دعوات خلوی و سلاسل شکست خورده و راه فرار پیش گرفتند - خود هزیمت الله خان در مرند اقامت کرده و بقیه الریف فراریان را از دامنه کوهها و

خوابی محال بود که در آنجا هیچ کس نبود و اسیران جدید مسکه از سر نو اقبال السلطه ماکوئی امداد او فرستاده بود بطرف شهر پورش آورد. این اردو تقریباً زاید بر يك هزار نفر بوده و در آن طرف رودخانه (آبی) و پاره در ده (آناخون) اقامت داشته نوبی رودخانه و ابنیه راه شوشه روس را بطوریکه گذشته و شرح داده ایم براسیے خود مأمّن و مقل اتخاذ نموده و اندک اندک با مجاهدین محله ابرجیز زد و خورد می نمودند

روز جمعه سیزدهم رمضان بقدر دویمت نفر از مجاهدین عملات (بلبل آاد - قره اناج - چرنداب) ریاست کرملای حسین خان و حسن آقای قفقاری و شهدی محمد صادق قفقازی و حاجی پسر کرملای علی مشهور مسیو و غیره فرمان سردار اعظم حضرت ستارخان بنکر آنها که ساهای راه شوشه روس و کارواسرا را که مقابل آنها بود هجوم کردند. فقط چنان هجومی که بر دلی و بسالت حوامان آذربایجان را میتوان گفت غیرالعقول بود. چهل نفر از اردوی دشم در همان ساهای راه شوشه و کارواسرا که این طرف پل آسی واقع هستند سنکر نموده متبای شان از آن طرف رودخانه با توپ و تفنگ مدافعه میکردند. این جماعت قبل با يك صوت پلنگه بقلب گاه بکھزار نفر حمله رده و شروع بچنگ نمودند. در حالیکه مهات محله دلیرانه جهت مندالت وطن و از ماریدن کاوله های پلنگ امکان آن شجاعان نامور عزت الله خان سرکرده اردو همان دوره محله اولی خود را ناخته و سرارپای شناخته بی فرار مرکب شد رفتار خوبش را این کرد. این محاره دو ساعت و نیم از دسته صبح شروع حکرده و سه بجروب ماده ختم شد. یعنی مد ار طهر از جماعتی که در کارواسرا و بناهای راه شوشه در سنکر بودند. پس از اینکه سی و هفت مرشان متول گردید فقط چهار نفر از آنها قرجه باب فرار و آخربن فس خود را در آن طرف رودخانه بهمراهان خود رسانیدند. از مشاهده این حال و مهاجته غضوانه مجاهدین که مجال بدشمن قیباد هیئت اردو را پای اسطبار از جای رفته تمامی آنچه را که داشتند از اسب و تفنگ و چادر و سایر لوازمات اردو همه را برجای خود گذاشته فقط

بجای اینکس که در آنجا هیچ کس نبود و اسیران جدید مسکه از سر نو اقبال السلطه ماکوئی امداد او فرستاده بود بطرف شهر پورش آورد. این اردو تقریباً زاید بر يك هزار نفر بوده و در آن طرف رودخانه (آبی) و پاره در ده (آناخون) اقامت داشته نوبی رودخانه و ابنیه راه شوشه روس را بطوریکه گذشته و شرح داده ایم براسیے خود مأمّن و مقل اتخاذ نموده و اندک اندک با مجاهدین محله ابرجیز زد و خورد می نمودند

روز جمعه سیزدهم رمضان بقدر دویمت نفر از مجاهدین عملات (بلبل آاد - قره اناج - چرنداب) ریاست کرملای حسین خان و حسن آقای قفقاری و شهدی محمد صادق قفقازی و حاجی پسر کرملای علی مشهور مسیو و غیره فرمان سردار اعظم حضرت ستارخان بنکر آنها که ساهای راه شوشه روس و کارواسرا را که مقابل آنها بود هجوم کردند. فقط چنان هجومی که بر دلی و بسالت حوامان آذربایجان را میتوان گفت غیرالعقول بود. چهل نفر از اردوی دشم در همان ساهای راه شوشه و کارواسرا که این طرف پل آسی واقع هستند سنکر نموده متبای شان از آن طرف رودخانه با توپ و تفنگ مدافعه میکردند. این جماعت قبل با يك صوت پلنگه بقلب گاه بکھزار نفر حمله رده و شروع بچنگ نمودند. در حالیکه مهات محله دلیرانه جهت مندالت وطن و از ماریدن کاوله های پلنگ امکان آن شجاعان نامور عزت الله خان سرکرده اردو همان دوره محله اولی خود را ناخته و سرارپای شناخته بی فرار مرکب شد رفتار خوبش را این کرد. این محاره دو ساعت و نیم از دسته صبح شروع حکرده و سه بجروب ماده ختم شد. یعنی مد ار طهر از جماعتی که در کارواسرا و بناهای راه شوشه در سنکر بودند. پس از اینکه سی و هفت مرشان متول گردید فقط چهار نفر از آنها قرجه باب فرار و آخربن فس خود را در آن طرف رودخانه بهمراهان خود رسانیدند. از مشاهده این حال و مهاجته غضوانه مجاهدین که مجال بدشمن قیباد هیئت اردو را پای اسطبار از جای رفته تمامی آنچه را که داشتند از اسب و تفنگ و چادر و سایر لوازمات اردو همه را برجای خود گذاشته فقط

بجای اینکس که در آنجا هیچ کس نبود و اسیران جدید مسکه از سر نو اقبال السلطه ماکوئی امداد او فرستاده بود بطرف شهر پورش آورد. این اردو تقریباً زاید بر يك هزار نفر بوده و در آن طرف رودخانه (آبی) و پاره در ده (آناخون) اقامت داشته نوبی رودخانه و ابنیه راه شوشه روس را بطوریکه گذشته و شرح داده ایم براسیے خود مأمّن و مقل اتخاذ نموده و اندک اندک با مجاهدین محله ابرجیز زد و خورد می نمودند

روز جمعه سیزدهم رمضان بقدر دویمت نفر از مجاهدین عملات (بلبل آاد - قره اناج - چرنداب) ریاست کرملای حسین خان و حسن آقای قفقاری و شهدی محمد صادق قفقازی و حاجی پسر کرملای علی مشهور مسیو و غیره فرمان سردار اعظم حضرت ستارخان بنکر آنها که ساهای راه شوشه روس و کارواسرا را که مقابل آنها بود هجوم کردند. فقط چنان هجومی که بر دلی و بسالت حوامان آذربایجان را میتوان گفت غیرالعقول بود. چهل نفر از اردوی دشم در همان ساهای راه شوشه و کارواسرا که این طرف پل آسی واقع هستند سنکر نموده متبای شان از آن طرف رودخانه با توپ و تفنگ مدافعه میکردند. این جماعت قبل با يك صوت پلنگه بقلب گاه بکھزار نفر حمله رده و شروع بچنگ نمودند. در حالیکه مهات محله دلیرانه جهت مندالت وطن و از ماریدن کاوله های پلنگ امکان آن شجاعان نامور عزت الله خان سرکرده اردو همان دوره محله اولی خود را ناخته و سرارپای شناخته بی فرار مرکب شد رفتار خوبش را این کرد. این محاره دو ساعت و نیم از دسته صبح شروع حکرده و سه بجروب ماده ختم شد. یعنی مد ار طهر از جماعتی که در کارواسرا و بناهای راه شوشه در سنکر بودند. پس از اینکه سی و هفت مرشان متول گردید فقط چهار نفر از آنها قرجه باب فرار و آخربن فس خود را در آن طرف رودخانه بهمراهان خود رسانیدند. از مشاهده این حال و مهاجته غضوانه مجاهدین که مجال بدشمن قیباد هیئت اردو را پای اسطبار از جای رفته تمامی آنچه را که داشتند از اسب و تفنگ و چادر و سایر لوازمات اردو همه را برجای خود گذاشته فقط

۱۳۲۶ اتفاق افتاد.

فتح محله ششکلان و خلیبان عبدالملك - هر چند که دیده طرفداران عالم اسابت را روس میکنند ولی وقته آخری از دیده های تمام آنانکه در داخله و خارجه گذران احوال این ایالت را با يك حس محبتی تمیز مینمایند سرشك ناز مینارده. اینک ما بدکر آنها میپردازیم بطوریکه نوشتیم روز یکشنبه بانزدهم ماه از طرف مجاهدین محله های خلیبان و پور که در تحت فرمانروائی سالار ملت حتاب مافرحان میشد. رای فتح محله ششکلان و سرخاب که در تحت تصرف سواران رحیم خان و شجاع اطام مریدی. و درطین خلیبان و محله شتربان واقع میباشد هم می ترتیب یافته و در ساعت نیش از دسته صبح مبادرت گردید. بطوریکه خود حباب مافرخان قریب سصد نفر با مجاهدین محله خلیبان اولاً (سرقله) را که روز جمعه سیزدهم ماه بتصرف مجاهدین در آمده و مشروحاً نگارش یافت. محض اینکه خط عبور سواران اردوی باغ صاحب دیون را که احیاناً به کک مینابند بریده باشند گرفتند. بعد از آن یوزبانی تقی که از سرد تانگت

معروف و شجاع محله خیابان میانشان با دو بست و بجای نفر تفنگچیان غیر از طرف پل سنگی مشهدی حاجی و مشهد حس که هر دو از بهادران قفقازی و تا کنون مصدر خیلی کارهای بزرگ در تبریز بوده و در رشادت و جنگ آوری یگانه بین لافران میباشند با دو بست و بجای غیر از درب (دراغ میشه)

حاجی پسر مشهور کربلایی علی میوزینلی و اسدالله که نیز از قهرمانان آذربایجان میباشند با جماعتی از دسته جات خویش از درب تلگراف خانه ~~سکه~~ باصلاح امروزی تبریز معروف به (دانش سنکر) میباشد.

حسین خان شهید، مشهدی محمد علی قفقازی، و اسد آقا مشهور فنکچی با جماعتی تحت امر خود شان از طرف بازار

با همین طور مبادرت نموده و از چهار محله که ذکر شد یورش بردند، از این چهار قطعه فقط حسین خان شهید رو محله سرخاب مجوم ~~سکرده~~ و باقی قصد محله ششکلان را داشتند

محله مذکور از طرف سواران امرالله خان قراجه داعی و شجاع نظام مریدی و معدودی از اشرار محله ششکلان محکم شده و دارای سنگرهای بزرگ و مستل های محکم است که در طرف این چهار ماه از آراهیکه محله مذکور هم حدود با محله خیابان ~~مکن~~ شیوان است، لظامسای بسیار در استحکامات و سنگرهای آنجا کار برده اند

در اول محله یوزانی قبی با سوارانی که در محارت شاهزاده مقتدرالسلطنه بودند زد و خورد سخت نموده و در طرف جهل و بیج دقیقه آنها و تمامی سوارانی را که در سنگرهای آن طرف بودند رنجزاده و کلیه آن حولی را بتصرف خویش در آوردند

از این طرف جناب آقا میر هاشم خیابانی ~~سکه~~ خود از ارباب مکنت و حیثیت و داری معام محترم سیادت و اسالت و در این انقلاب از درجه اول مشاهیر شجاعت ملت است فقط باید فر و کر خودش رینل نام ییک سنگر عمده دشمن که تمام در روسیه (پل قاری) اول خیابان مجدالملک واقع است مجوم برده در صورتیکه تقریباً پانصد گلوله پنج تیر برویش

خالی کردند ابدأ اعتنا نموده و خود را به کاروانسرای معروف کلان تر انداخته و عقب ایشان مشهدی حاجی قفقازی خود را رسانیده و چهار نفر سنگریان را در چهار تیر بر افکند، سوارانی که در همان سنکر بودند از محله بی باکانه آن بهادران و از حالت چهار نفر کشته کان خویش خود را کم ~~سکرده~~ بی آنکه تیری بتوانند خالی نمایند فرار کرده و سنکر را برای مهاجمین خالی میگذارند

از درب تلگرافخانه هم حاجی پسر علی میوزینلی بعد مذاهای قهریبی خیابان مجدالملک که جلو حرمخانه است رفته از دو طرف همواره را بر سوارانی که در خیابان مجدالملک بودند تنگ نموده و دو ساعت از ظهر گذشته هر چه از سوار و غیره که در آنجا بودند جای خود را ترک نموده و از راهی که از وسط خیابان به محله شتریان میروند فرار نمودند و خیابان مذکور که در تبریز از نقطه نظر جنگ اهمیت فوق العاده را داراست کاملاً بتصرف مجاهدین در آمد.

خیابان مجدالملک که مرکز تبریز و از اولین نقاط معموره و محل تفرج اهالی شهر و مرکز خیلی از موسسات مدیه زقییل کارخانه (جراغ برق) و (تلفونخانه) و مطبوعه (امید ترقی) و کتابخانه (تربیت) و غیره و غیره بود روز سه شنبه اول ماه جمادی الثانی ۱۳۷۶ بتصرف سواران دواق و اشرار محله های شتریان و سرخاب رفته و سه ماه و نیم تمام بانهایت دقت و اعتنا در دست داشتند، و از همان روزیکه آنها را متصرف شدند تمام مقاره های معتبر و کارخانه ها و غیره که در آنجا بود بتدریج غارت نموده تا رسیدند بدر و بجزیره و بعد از آنکه آنها را هم بردند در و دیوارش را آتش زده سوختند، حتی حروفات سربی مطبوعه (امید ترقی) را که براسق امید ترقی آذربایجان منحصر بدان پارچه های سربی بود برده و هنگامیکه گلوله توپ حضرات تمام شد همه آنها را گذاشته و بشکل کاره در آورده و بروی این ملت بیچاره انداختند

(اینست عجایب حدیث و اینست عجب حال)

امروز خیابان مجدالملک بطوریکه خود ندیده نگارنده رفته و دیدم بشکل یک خرابه زار مویب منظره

وحتت آوری دارد که از تماشایش دل آدمی مبتذک
 بهر حال برویم سرمطالب . بعد از آنکه حسابان
 مذکور را بمحمدین غیور متصرف شدند، طرف بالا
 رو به محله ششکلان نهاده هنگام جنگ را در آنجا
 گرم نمودند از بالای ارك علی شامی هم توپهای ملت
 بطرف محله شتربان آتش بار بودند، اگر چه از داخله
 کوه (عینل) جراباً صدای توپهای دشمن هم شنیده
 میشد، ولی باید دانست که امروز کاره توپ در تبریز
 بازیچه اطفال است

بوز باشی قی از طرف بالا و قلعین حسابان
 بمذللک از طرف پائین محله ششکلان را در میان
 دو قوت آتش فشان فشار داده و هر چه از سلاک
 ها و معقل ها که پیش میآمد با کم زحمی متصرف شده
 و دست حدود سواران دولتی را تنگ کنان تا دو
 ساعت بغروب مانده کلیه آنها را از محله مذکوره
 بیرون کرده و آنجا را متصرف گردیده بیرق سرخ
 حریت را در وسط محله مذکوره بر افراشتند

هده - قتلین از طرف دشمن تا جهل قری باختلاف
 روایات میباشد، ولی صحیح آنست هنوز معلوم اداره
 نیست . از این طرف حاجی خان فرزند رشید رشید
 دیوان با یک نفر دیگر از محله حسابان آبدار باشی از
 محله جرنداب و یک نفر دیگر از محله لیل آباد که
 جملاً چهار نفر میباشد مقتول و چهار و پنج نفر هم
 مجروح هستند .

فقط نفوس فوق و سروری سکه از این -
 فتوحات در وجبات هیئت عمومی مشروطه خواهان
 بود بود بیک خبر ناگهانی زخم خوردن حسینخان
 مبدل بیاس و فتور گردید و یک رنگ مانی هر طرف
 را فراگرفت .

اجال آن وقته مؤسسه این است، که شهید موسی
 الیه جنگ کمان باکسان خویش تا کاروانسرای معروف
 (زطن) که قریب پل نظامالعلماء واقع است رفته و در
 نوبی همان کاروانسرا در حالیکه تنها میخواسته دیوار
 را شکافته و یکدسته از سواران را که در آنطرف
 موقع مذکور بودند بسر وقت رسید چینی از افراد
 دشمن یکدسته محرم آورده و دورشرا میگردد، اندازه
 جرئت و جلالت شهید موسی الله به قدری بود که

این گروه مواقع را وقتی نهاده و تغییری در اطوار
 مردانگی خود ندادند، تا نهایت رشادت و شجاعتی که
 از خصمات خویش داشت تا آخرین کلمه خوددعوی
 کرده و جلد تن از افراد دشمن را در خاک ملاک
 کشید و آنوقت که فشنگ هایش تمام شده و زخمی
 هم از بایش بر خورد باز دست از جنگ برنداشته
 تا وقتیکه از ضرات شدیدة حضم بدرجه رفیعه شهادت
 رسید سپس دشمنانش ریخته و آن پاتنگ بی روح را
 گرفته پیش شجاع نظام مریدی میبردند، آن نامرد
 زمان و آن تنگ آذربایجان هم بیک تیرکانه بی روح
 آن یگانه دوران را که هزاران امثال مریدی میبایست
 در پیش اش سر فرو داوند هدف بود این است معنی
 وحشی گری

آه ای جسمه غیرت ، ای قنار شجاعت ، ای
 نور دیده حیت ملدان، ای باغبان باغ وطن، ای قربان
 ملت مادر وطن از لیب همچو تو فرزند دلیر گریه
 میکند ، صفحه آذربایجان بعد از تو سگدر میآورد ،
 همقطارانت سلاح بتعزیت سر از بر کرده و نهات هتای
 میسرایند، فقط نوای چراغ چشم آذربایجان دلخوش
 دار که خون صافی و پاکت را هم مساکانت بر زمین
 نمیکذارند و نگذاشتند همی با آفت جبین گشاده و
 رخسار بر افروخته نزد شهیدان وطن بشتاب و سلام
 حوامان آذربایجان را به آمان برسان و بگوی، سکه
 مقصد عالی و مسلك مقدس شما را داریم و در اقطار
 وطن هنوز خودمان پهن کرده و بیکر نار برور وطن
 را از جنگ و حشبان درنده و گرگان آدمی حوار
 میرهائیم ، و در این راه اگر چنانچه بمسود ما و شما
 نه پیوستیم با همت شوق و با ذوق و نهایت حاضریم
 که خود را در بلند ترین درجات جنان باخوش مکرر
 شما در پیوندیم .

(جرخ وهم زخم ارجیر مرادم گردد)

(من نه آم که بزبون کشم از جرخ فلک)

امروز سزاست سکه علم مدیته از این موقیته
 شایان و فتح تابان آذربایجانیان را تجربه نماید .
 امروز وقت است که تمام طرفداران عالم انسانیت
 دست نهیته بسوی مجاهدین ملت ایران دراز کنند .
 امروز نامه تعزیت استبداد نوشته و توبار عمرش

يك خضره فدائیان مشروطیت از صفحه آذربایجان هر نوردیده گشت .

امروز سر راه مشروطیت طلبان آذربایجان از وجود خس و خاشاک داخلی که از چهار ماه قبل بر این مایع پشرفت آنان بودند پاک شد .

شب سه شنبه هفدهم رمضان بعد از محاربه مدید که مجاهدین غبور محله خلیمان با توپ میگردند مستبدین و منفدین که در انجمن اسلامی بودند مثل حاجی میرزا حسن و میرهشم و شجاع نظام مرندی و غیرهم، کار را وارونه دیده و قرار بر فرار میگذارند، اشترار و الواد محله جات شتریان و سرخاب هم از وقعه خبردار شده و ذاتاً که مستمند بودند عقب سر آنان جاهای خود را ترک نموده و بخارج شهر گریخته و شهر را بمجاهدین و مشروطه حیات میگذارند . چهار هراده توپ با يك عدد خمپاره بتصرف مجاهدین ملی در آمده و صبح هاشب را سلطوت ملی بنام نامی حضرت سردار و سالار در محلات مذکوره حکمفرما بود و بیرقهای سرخ ماسر مخصوص سردار بر فراز بامها روشنی بخش دیده و دل دوستان میبود، انجمن اسلامی را که مرکز فساد بود آتش زده و سوزاندند، حضرات فراریات هم پاره بدعات خویش و بعضی پناه باردوگاه شاهزاده عین الدوله بردند، بنا برپورتی که از اردو رسیده شاهزاده از ریاست اردو مطلع و رحیم خان بجای او منصوب گردیده افراد اردو هم کم کم براگنده میشود

بعد از فرار مستبدین و تخلیه شتریان از وجود های میشوم آنان چند روز متوالی سور و سروری در تمام ملت مشاهده بود که نظیر آنرا همین دو اعیان بزرگ ملی میتوان دید، راتی کدام عید شادمانی فراتر از این میتواند بود که طایفه فساد و سبب شقاق و ففاق یعنی ابالسه دیو سیرت و آن فرومایگان پست فطرت که امروز هوشنوده را از نام نامی مبارک شایسته نافی همیق حاصل است از میان برخاسته خونریزی و هزار بدبختی های دیگر را در میان قسمی از اولاد وطن خانه بدهد .

اهالی محلات که مدت چهار ماه در پس يك حایل استبداد از خویشاوندان و دوستان خود جدا و در زیر بار آن بلا بودند دست نهیت بهم داده و یکدیگر را

در آغوش مینمودند .

آنچه بخوبی پیوسته است قریب دوپست نقر از مستبدین و اشترار محله های شتریان و سرخاب هاشب راه طهران در پیش گرفته اند که مجتمین مرکز فساد (اسلامی) هم درین جزو میباشد .

بعد از آتش زدن بان مرکز فساد لوحه آنجا را که بخط درشت (مجلس اسلامی) نوشته شده بود آورده و در انجمن مقدس ایالتی وارونه آویختند (عتیق نماید که لوحه مذکور اولاً (انجمن اسلامی) بود، ولی بعد از انهدام دارالشورای ملی کله انجمن را حضرات سزده و مجلس اسلامی (نوشته بودند)

بلی این چند روز در تاریخ انقلاب آذربایجان اهمیت بزرگی را خواهد داشت، که هرگاه هموطنان محترم آنروزها را عثابه اعیان ملی اتخاذ نمایند افراط نوردیده اند .

چند خانه هم از میرقداران استبداد از طرف اهالی هیجان آمده بشارت رفت و مسامی اعضای محترم انجمن ایالتی و حضرات سردار و سالار هم در جلوگیری از اهالی نتیجه ماند، فقط از روز دوم آدم گذاشته و جلو ظارتیان را پهر وسیله بود سد نمودند و اخیراً بهدشرت انجمن جنگ کم کم از اموال قارت شده آنچه ممکن است باز گرفته و بجهت رساندن بصاحبانش در نزد انجمن مذکور ذخیره می نمایند .

در این موقع اقدامات مستحسنه اعضای محترم انجمن ایالتی و زحمت فوق العاده شایسته حقیقاً قابل هزار گونه تحسین و تمجید است، بطوریکه شب و روز استراحت و آرام را بر خود حرام نموده و در سدد اعاده نظم و آسایش شهر بوده آنی فراقت ندارند، ادارات شهری را از قبیل (بلده) و (نظامیه) و (عدلیه) و غیره بسرعت هرچه نامتر مذاکره و ترتیب داده اند که این روزها همگی دابر شده و درکار انقظام شهر خواهند پرداخت، همچنین اداره تاکرانخانه را که بالکلیه شیرازه اش از هم گسیخته و کاملاً درهم و برهم است بجلب مأمورین تاکران قرار تنظیم آف را داده و این اداره را که در حکم هروق مملکت و واسطه اطلاعات هموطنان از حال همدیگر است این روزها بکار خواهند داشت .

ریاست اداره نظمیته قراریکه در سابق بود سپرده
 ف با کفایت جناب اجلال‌الملك و ضمیمه حکومت
 ایشان کرده که در این راه خدمات مسبوقة شایسته
 مسلم عموم است. چنانچه فریباً با نظم و ترتیب پیش از
 پیش اداره نظمیته را قائم داشته و در این موقع باریکه
 اندازه کفایت و کاردانی خودشان را مشهود فرمایند
 اسامی اعضاء متعصبه سایر ادارات را هم انشاء الله
 در آینده بعرض مطالعه کنندگان محترم خواهیم رسانید
 شب یکشنبه بیست و دوم را اعضاء محترم انجمن
 مقدس ایللی درخاه حاجی ابراهیم صراف که دارالحکومه
 جناب اجلال‌الملك است مجلس عمومی متشکل از تاج
 تجار و معاریف شهر از کاتبه محلات منعقد فرموده
 و در باب اصلاحات فروری شهر و جلوگیری برضی
 بی اعتدالها و انتظام نامه. مذاکرات لازمه را
 فرموده حضرات سردار و سالار هم که تشریف
 داشتند کمال همراهی خود را در این باب اظهار نمودند
 و قرار بر این شد که صبحی در شهر جار بکنند که
 هرکس بی از دایره اعتدال بیرون نماند و موجب
 آزار کسی کرده سخت مورد مواخذه و توبیه خواهد
 شد. و نیز قرار شد که یک نفر از طرف حضرت
 سردار در محله شتران و یک نفر از طرف حضرت
 سالار در محله شکران بوده پیش بندی از باره بی
 قاعده کی ها نمایند. چه در محلات مذکوره بعضی ما
 که سابقه مضنونیت دارند میادا دچار تعرض کردند
 و نیز تکرار فیل را با مهر و امضای عموم
 حاضرین بحضور هابوز نوشتند

تکرار نیست که از طرف عموم

اهالی آذربایجان بشاه زده اند

(بعد از قروحات غلبه پنه ملت)

طهران - سربر معدلت تخمیر هابوز حله که ملک -
 الان منجاوز از چهار ماه است که شرح گذارشات
 حله آذربایجان بتلاوه اینکه باعث حرابی ملک
 و ملت و تهدام اساس عمران مملکت و تعطیل تجارت
 شده. خاطر خطیر هابوز را نیز دچار انواع ملال
 و نفوسش نموده است. و قیح است که اگر بای اشرا
 و مفسدین چند که بعضی پیش بردن افراض شخصیه

خود بانواع تأویلات مسئله را کاملاً برخلاف نفس الامر
 قلمداد کرده و موضوع حقیقی را در پیشگاه مقدس
 آلت پدرمهربان پوشیده و پنهان میداشتند در میان
 نمیبود هر آینه کار حرابی ملک و ملت باین درجه از محور
 اعتدال خارج نمی شد. و بالاخره هم بحدائقه بر ضمیمه
 اعلیحضرت هابوز مکشوف اذاعه که مقصود از تمام
 خود بانی و عرض جاگری جز بستن کوفه پار تمنع
 چیزی دیگر نبود چنانچه طرف خود را بستند هر یک
 راه هضم آرا در پیش گرفته بستی در گذشتند.

بهترین حقیقی که این اولاد مظلوم اعلیحضرت
 اقدس ملوگاه در دست دارند اینست که همینکه با توجه
 امام زمان علیه السلام بای این چند نفر منسد دولت
 و ملت کش از میانه خارج کردید کوس اتحاد حقیقی
 اولاد در میان تمام اهالی کوفه شد

و ثانیاً - باب اخوت در میان رعبه مطیع
 و پادشاه مهربان فراز کشید از آن وقت اعلیحضرت
 امر اجرای قانون و انتخاب وکلا را تعلیق بنظم
 آذربایجان میفرمودند. حالا دیگر گویا برای ترمیم
 خیال آن پسر تاحدار هیچ موضوعی در کار نباشد چه
 اهل تبریز بانجام قله فلا در قلب خود جز محبت
 پادشاه و انتظار امتحان دارالشورای و تطبیق قانون
 اساسی ندارند. سایر این در عالم شاه برستی و دولتخواهی
 ملت آذربایجان که در حقیقت بمنای تبدیل ممالک
 محروسه است مستعدی هستند. که اعلیحضرت اقدس
 ملوگاه بجای مقاومت ملال انگیز برای تشکیل ملت
 بدبخت بیک همت ملوگاه امر به انعقاد دارالشورای
 ملی و انتخاب وکلا نمایند که هم این فرصت نیکورا واسطه
 اتحاد و آمیزش میان دولت و ملت قرار دهند و هم
 باین تدبیر سلسلایت این بلوای عمومی را بسایر ولایات
 فرموده باشند

تکرار نیست که انجمن ایالتی آذربایجان

وسا بتوسط سفیر کبیر عثمانی به نمایندگان

(انگلیس - روس - آلمان - امریکا)

(فرانس - اطریش زده)

طهران - خدمت جناب مستطاب اجل اولاد

سفیر کبیر موله علیه عثمانی دام اتباه العالی

در این مدت چهار ماه انقلابات تبریز که ملت در راه استیفاء حقوق خود مشغول مدافعه و مجاهدات بود بقدر امکان در باب وقایع و حفظ حقوق اتباع خارجه نیز لازمه دقت و اهتمام بعمل آمده و بشهادت عموم نمایندگان دول معظمه اگر تعرضی هم بمشغول اجاب شده باشد از طرف اشرار و آهائیکه محل و مانع تجارت دنیا هستند بوده است. و الآن که جگونی خیالات ایشان در نظر اعلیحضرت مایوی مکشوف، و بمحمدان در سایه نیات هنرم ترقیخواهان داخله شهر از وجود اشرار و سواران قره دانی و سایر مفسدین پرداخته شده از طرف ملت بمحض روابطی که من قبل در میان دولت ایران و دول کامله الوداد وجود بوده است رعایت کلی خواهد شد. و امید است که بعد از این در هر مقامی که قدرت ملی در آنجا خود داشته باشد در باب جریان معاملات و محافظه حقوق اتباع و تجار خارجه موجبات سهولت و همراهی فراهم و انشاء الله این خادمان مات در طرفداری و ترویج منافع تجارتی عموم دول معظمه کوتاهی نخواهیم کرد انجمن ایالتی آذربایجان

مباحثات پارلمان انگلیس

در مسائل واجبه ایران

در دارالشورای ملی انگلستان (مستر آگریدی) از وزیر خارجه انگلیس سؤال نمود آیا اطلاع دارد که منجمه تلگرافهاییکه بتصرف مشروطین تبریز بعد از محاصره تلگراف خانه که در تصرف دولتیان بود آمده دو تلگراف است که بشاه زده بودند از جانب سردار قشون، در تلگراف اول خواسته بودند از سفارتخانه روسی مقیم طهران خواهش شود که (۱۰۰۰۰) الی (۲۰۰۰۰) فشنگ بتوسط قونسلی روس بآنها بدهد و در تلگراف دوم وصولی از آن را خبر میدهد - آیا چنین حرکات از سفیر روسی مداخلت در امور داخله ایران و مخالف با اصول معاهده انگلیس و روس نیست؟

(سر ادورد گری) وزیر خارجه، ابدأ از حقیقت این مقال آگاه نیست

(مستر دیلن) آیا از این امر مطلع هستید که

نمایندگان دولت انگلیس و روس هیچ مداخلت در امری از امور داخله ایران نموده باشند (سر ادورد گری) بلتیک هر دو دولت این است که هیچ مداخلت نمایند ولی در خصوص افتتاح پارلمان و بقای مشروطیت شاه را تأکید و نصیحت نموده اند (دو کتر ترنر فورد) درست است نظر بر اینکه انتظام داخله ایران را باید بدولت ایران سپرد، هیچ گونا مداخلتی از خارجه جائز نیست، ولی نباید ما دوستانه خواهش نمائیم از دولت روس که افسران روسی که در ایران مشغول خدمت اند رجعت بدهد؟

(سر ادورد گری) افسران روسی که در ایران هستند ملازم دولت ایرانند و چند سال است بمخدمت منصوب می باشند و فیصله این امور فقط راجع بدولتین ایران و روس است، ولی تا جایکه معلوم شده افسران روسی شرکت در این جنگ نداشته اند (دو کتر ترنر فورد) آیا این خبر اقوامی بدرجه

و فوق رسیده است که قشون روس داخل ایران شده است (سر ادورد گری) تا جایکه با خبر رسیده قشون روس در حدود ایران تجاوز نموده، جنیدی قبلی که جنگی عظیم بین ملتیان و دولیان در تبریز و قرب سرحد روس شد و در آن موقع ضرر عمده به تجارت روسیان وارد آمد و بر بست روسی هم دستبرد زده بودند و شهرت یافته بود که خطرات عظیم بر نفوس و اموال روس متصور است دولت روس (۱۰۰) قزاق در سرحد خود جمع نمود، ولی بعد از آنکه جنگ موقوف و رفع خوف شد حکم قشون رسید در صورتی خوف و خطری نباشد عبور نه نمایند - بشنود بشنود (مستر دیلن) پس دو این صورت دولت انگلیس قبول می کند که در حال خوف لشکر روس باران وارد نماید

(سر ادورد گری) حکمت عملی انگلیس چهارم این بود و هست که در مقامیکه خطره تلف شد نفوس رعایای ما برود تدارکات لازمه بنماییم، لذا باید ما بر دیگران هم که بدین منوال رفتار کنند ابرام نه نمائیم اگر چه بلتیک هر دو دولت در وقت امنیت بی طرفی است و در چنین موقع که جنگ در سرحد روس جاری بود و قشون روسی عبور نمود قریب

قیاس است که هر دو دولت ملاحظه فصول عهد را کاملاً نموده اند

باز سؤال شد - نمایندگی دولت روس هیچ حصه در جنگ بین دولتیان ایران گرفته و تدارکی ندیده که صورت برهم خوردن پارلمان و انهدام همارت آن گردیده؟ آیا دولت انگلیس در این باب مخبره ما دولت روس نموده است؟

(سرادوردگری) - من مطلع نیستم که نمایندگی روس حصه در جنگ بین دولتیان و ملتیان ایران گرفته باشد ولی نمایندگی دولتین روس و انگلیس متوالیاً هدایت به دولت ایران داده که پارلمان را قائم نماید و نیز افسران روسی که در افتشاش طهران سمت اشتراک داشتند مستخدمین شاه بوده و مأمور دولت روس نبوده اند - هنگام لزوم نمایندگان دولتین از قبیل قونسل و نایب قونسل (جنایحه در تبریز پیش آمد) رای خودگی نواثر جنگ یا میسای نموده هر دو فرقه مخالف را بصیحت کرده اند. ولی تا حدیکه پلنیک هر دو دولت مقتضی بوده است این امر را هم محدود نظر باید داشت که طوالت جنگ در حدود روس نامت رسیدن ضرر و تجارت و خوف اتلاف نفوس روسیه پیش از سایرین میبود چنانچه مظلون بود و قی تلفات نفوس هم واقع شود. يك وقتی هم قونسل ما اطلاع داده بود که کرک ایران که دولت روس بیشتر نفع از آن می برد از پنج ماه باین طرف هیچ وصول نشده، و تدارکی که دولت روس جبهه حفظ حقوق و نفوس رعایای خود دیده منحصر بود بفرام نمودن (۱۰۰۰) قزاق در حدود خود، ولی محکوم میبود از سرحد ایران نبودند. از این رو من لازم می بینم که دولت روس را متنبه نمایم چه گام اینست که دولتی دیگر هم در چنین موقع غیر از این تدارکی که دولت روس دیده می نمود

(دوکتور زرفورد) آیا شاه ایران وعده که به دولتین روس و انگلیس داده است که افتتاح پارلمان می نماید چه شد؟ آیا مشروطین آذربایجان ساحت شده اند از مطالبه پارلمان؟ آیا شاه بعد خود وفا نمود باوجود بصیحت و تاکید از جانب نمایندگان روس و انگلیس آیا افسران روسی کثرت تأیید شده نموده اند؟

(سرادوردگری) جواب سؤال اول شاه اینست که شاه وعده داده است، جواب دوم اینست قونسل ما چنین خبر داده بود که از ۲۳ اکتوبر امنیت در تمام شهر تبریز حاصل و بازارها و دکانها باز فقط راه جلغا قدری منتهوش میباشد. جواب آخری شاه اینست که من مطلع نیستم که افسران روس که مستخدم شاهند بصیحت و امداد به شاه نموده باشند - ولی دولت روس در جمیع کار روابطی ایران مشاوره با ما در بصیحت نمودن به شاه برای مطالبه پارلمان نموده است

(دوکتور زرفورد) - آیا دولت روس مجدد یاد آوری نموده و شاه را تاکید بافتح پارلمان کرده؟ (سرادوردگری) نمایندگان هر دو دولت مقیم طهران تجدید یاد آوری کرده اند در ۱۴ اکتوبر - (مستر ریس) آیا نه چنین است که افسران روسی که مستخدم شاهند معاونت زیاد در امنیت شهر و خدمت به دولت می نمایند (سرادوردگری) - من مبفهمم این سؤالی است جداگانه

(مستر ریس) آیا بدوات ایران سلاح و مشوره داده شده که پارلمان آزادانه دهد - (سرادوردگری) سلاح هماره داده شده بموجب قانون مشروطیت عمل نماید -

ترجمه از جرائد انگلستان

مارتنگ پست ۲۶ اکتوبر سنه (۱۹۰۸) بنویسد

(تلگراف پترزبرگ ۲۵ اکتوبر)

از اسلامبول امروز عصر بدین عنوان تلگراف رسیده: دولت عثمانی مصمم است دولت ایرانرا اعلام نماید براینکه چون خونریزی در آذربایجان جاری و شاه را قدرت بر آرام نمودن آن نیست، لذا دولت عثمانی مجبور است براساس حفظ حقوق رعایای خود تدارکات لازمه بنماید. از این تلگراف ظاهر می شود دولت عثمانی مصمم سوق عسکر باذربایجان است

دیلی کرانیکل ۲۶ اکتوبر ۱۹۰۸ بنویسد

(تلگراف اسلامبول ۲۴ اکتوبر)

خبر رسیده که قشون روس از رود (ارس)

عبور نموده و در حدود آذربایجان داخل شده که شهر تبریز در آن است

بوجب خبر تلگرافی حاکم از تبریز در اخبار (فرانکفرتر زیتانگ) اشاعت یافته شش بتالین قشون پیاده روسی با توپخانه و سوار از سرحد ایران روز نخست به عبور نموده و حلباشان استیصال تبریزبان است از این تلگراف ظاهر میشود که این قشون روز شب به تبریز وارد می شود این است که یک هیجان غریبی در شهر بیدار است

تلگراف نیم روسی تردد میکند افواهی را که در دخول قشون روسی بسرحد ایران منتشر شده جنبدی قبل یکی از روزنامه های معتبره روسی چنین رأی داده که اگر املیت در تبریز حاصل نشود روس قشون خود را باید در آنجا فرستاد تا بازخواست حقوق روسیان را به نماید

خونریزی از چهار ماه متوالیاً در تبریز جاری و شهر بقصر مشروطه خواهان میباشد که مطالبه افتتاح پارلمان را می نمایند. آنچه قشون از جانب شاه رفته نقاب آنها شکست یافته و شهر تاکنون بدست مشروطه خواهان باقی میباشد

بوجب تلگرافی که به روزنامه (نیور یارک هرلد) پاریس رسیده به اطلاع روسی بضمون ذیل از جانب انجمن ایالتی تبریز به سفرای دول عثمانی - انگلیس - روس - آلمان - آستریا - هنگری - فرانسه - امریکا فرستاده شده " درین چهار ماه گذشته مشروطین آذربایجان مجبوراً سلاح گرفته مدافه از خویشین نموده تا حقوق منصوبه خود را از دولت بستانند و درین مدت حتی الامکان سعی بوده اند که حقوق رعایای دول متعصبه باطل نشود، ولی اگر سدمه بآنها رسیده (چنانچه قوسلات دول می تواند بسنجند) فی الواقع از قطامان طریق و فرقه مستبدین بود که سد ابواب تجارت کرده اند از مساعی و مجاهدات جبهه مشروطین اکنون شهر تبریز از مکابذ اشرار و طایفه دزدان صاف و پاک گردیده، لذا مشروطین فرض ذمه خود میدانند که روابط اتحاد دولت ایران را با دول سائره تعظیم و تکریم نمایند و دوام آن را هماره طالبند، و مشروطین اطمینان می دهند دول متعصبه را که تمام همشان در

نگامداری و پس حقوق آنها مصروف خواهد بود و نخواهند گذارد هیچ گونه لطمه به حقوق آنان وارد آید.

یکی از ایرانیان با اطلاع بر وقایع نگار ما اظهار نموده که اطلاع روسی دیگر نیز انجمن ایالتی آذربایجان تقدیم به نمایندگان دول خواهد نمود که در ماده استقلال آذربایجان بحث خواهد کرد

شهر تبریز که من حیث الجمیعت دوم شهر ایران است سابق مرکز عمده تجارت هند و روس و ترک بود. از وقتی که سواحل دریای خزر برای تجارت مفتوح شد تا اندازه از اهمیت آن کاسته است

« ایونینگ استندرد سنت جس گزت »

(۲۰ اکتوبر ۱۹۰۸ مینویسد)

« گر چه زلفی دراز از وعده شاه که بنا بود از سرنو پورسلان را قائم نماید گذشته ولی هیچکس بنظر تعجب ننگریست که صدر اعظم را محکم بر تحریر مسومه قانون انتخابات شده و تا کنون مرتب به نموده و نه کسی تعیب نموده که علت این اهمال چیست ؟ با اینکه ۱۴ نومبر تاریخ انشاء مجلس مقرر شده است

« ترجمه (براد آر) ۲۵ اکتوبر سنه ۱۹۰۸ »

دولت روس موقع آن رسیده بود که برای امنیت تبریز قشون بفرستد ولی (مسیو اسوالسکی) وزیر خارجه روس مائل نیست و شته انحصار دولتین روس و ایران از هم بگردد. شاه در مآنها دوجه اضطراب است. چه اغلب اقداماتش بی نتیجه مانده و در کار خود سرکم گردیده است (لیاکوف) و قزاقان او را که حکم شده بود که ملبس و مشکل به لباس روسیان شده به تبریز بروند اطاعت حکم نکردند، نمایندگان دولت آلمان و روس از محمد علی میرزا خواهش می کنند که مسجلاً افتتاح مجلس پارلمان را بنماید، دولت انگلیس (۲۲۲۰۰۰) لیرا و دولت روس (۱۶۴۰۰۰) لیرا مال التجاره در در خاک ایران دارند. در این وقت که ایران را بحال افلاس در یافته بنظر تسبیح می نگرند تا درین ضمن ضرری بر آنها برسد، از مملکت آلمان هم قرب شش الی هفت هزار لیرا مال التجاره وارد خاک ایران شده و از سایر ممالک (۷۰۰۰۰) ازین رو حقوق دولتین روس و انگلیس بیشتر از سایرین معلوم می شود

ترجمه از منچستر گاردین

(نومبر سنه ۱۹۰۸)

بنظر می آید اوضاع ایران زودی اصلاح نخواهد یافت . بسبب تغییر و تبدیل حاکم در حکمت عملی (دیپلمات) ها که موقع خود مقترب اعلان خواهد یافت پیدا شده - اگر بطریق (دیپلماتی) اظهار شود هر کس باید تصدیق کند بر اینکه روشی که فعلاً روسیان در دست دارند بجز منافع خودشان درست است . ولی مشکلات زیاد برای نمایندگان خارجه ما در پیش آمده - اقدامات دولت انگلیس بیست جز مهمی به نمایندگان روس . البته هاره روباه بازی زیاد روسیان در وسط آسیا نموده و من با جرئت میتوانم بگویم اگر حقیقت حال منکشف شود اداره خارجه ما بکلی بی بهره از کابینه خیالات روس است (از آنچه ما دانسته ایم) یکی از (دیپلماتهای) جهاندیده بمن اظهار داشت در همان وقتها یک عهد نامه روس و انگلیس نوشته شد که این معاهده بسیار خوب است اگر روس بر قرار بگذارد و پایندی نماید . رویه رفتار دولت روس در این باب اطمینان نمی دهد -

ترجمه از دلی تلگراف

بموجب تلگرافی که از (جلفا) رسیده عموم اهالی تبریز را کمال این است که مقترب حادثه بزرگی پیش خواهد آمد - چیزی از خانواده روس محاسب سرحد کوچ نموده و از جانب قونسل روس سواران مراعاتان بوده است

ترجمه یارک شایر آرزور

(نومبر سنه ۱۹۰۸)

در پنزبرگ چهار شبه تلگرافی مدعی عنوان اشاعت یافته . افغشاش شمالی ایران شاید مورث زحمت زیاد روس شود - رعایای روس مقیم تبریز زن و بچه خود را بوطن خویش باز میفرستند چه بنظر نمیرسد این خونریزی موقوف شود - چه کوشش در جلو گیری راه زمان و دزدان بی سود مانده تجار روسی شکایت زیاد از خسارات فوق العاده خود می نمایند - از بی وجوهات مذکوره کمال می رود که دولت انگلیس هم نذارکی در پیشرفت رسوخ خود نموده باشد - دولت روس اهدا خیال دارد ۵۰۰ هزاره غلط سخت گیری در امور بکند - البته صبر خواهد کرد تا زمانی برسد که افغشاش از حد بگذرد یا اینکه دولت انگلیس اتمام

قتون عثمانی از سرحد آذربایجان رجعت نمودند از قیام آنها در این سرحد مردم آن نواح بسیار رنجیده خاطر و شاک بودند . وضع این کدورت را (جوانان ترک) می خواهند به نمایند

بنادر معتبره ایران - بوشهر - لنگه - بندر عباس و عجمه است . تنها در بندر بوشهر (۶۹۴) جہاز نجارانی که حامل (۷۲۸۷۱۹) طن مال التجاره بود در سنه ۱۹۰۰ . ۶ وارد شد

عدد قزاقهای طهران (۱۲۰۰) است و جمعی هم هستند که موسوم اند به غلام های کشیکخانه . قشون منظم (۷۹ بتالین) پیاده که هر بتالین دارای (۶۰۰) الی (۸۰۰) نفر میباشد و ۲۳ توپخانه میدانی دارد . علاوه بر این ها یک (بتالین) هم محافظ برخی استحکامات است . در اسلحه خانه ایران (۵۰۰۰۰) تفنگ (وردل) (۷۴) توپ (بوجاییس) و (۵۰۰) الی (۶۰۰) توپ ساخت قدیم میدانی هست که اگر با باروت جدید شلیک میکنند یاره می شود با این همه ناه نمیتواند اقلاً (۱۰۰۰۰) قشون فراهم نموده مطابق با مشروطه خواهان تبریز نماید . وضع همارات و کوجهها . و بازار های صنّف و منارها و نظر انداز و ایستگاه تبریز طباعاً یک نوع استحکام طبیعی به تبریزیان حبه دفاع میدهد . و اشکال زیاد برای همه آورندگان دارد . مشکلات ایران بزودی حل نخواهد شد . اگر مساعدت روس و انگلیس صورت نگیرد بود برایشانی های زیاد برای ایرانیان روی می خورد

ترجمه مارنیک ادورتایز

(نومبر سنه ۱۹۰۸)

از تبریز تلگرافی در (پنزبرگ) اشاعت یافته که ظاهر میدارد (۵۰۰) سواران (ستارخان) بجهت تمام از شهر کوچ کرده و بمجرد حرکت آنان قشون ساخطوی دولت که در (جلفا) بود از مرکز خود فرار نمودند . تلگرافا خبر رسیده که دو نفر افسر آلمانی و یک نفر ترکی مخفیانه وارد تبریز شده و باستارخان مشوره می کنند . و نیز از تلگراف ظاهر می شود که قشون روس از هر قبیل (۵۰۰۰) الی (۱۸۰۰۰) مقترب در (جلفا) می روس خواهند رسید و مظنون است بجانب تبریز کوچ نمایند

امور را بکف خود گیرد - نتیجه کار آقدر که من می بینم خیلی بخلاف دشمنان انگلیس و روس و مسرت دوستان دولتمن خواهد بود -

ترجمه از ویست منستر گزت

۶ نومبر ۱۹۰۸

وقایع نگار (طمس) از طهران می نویسد که بعضی گروه رقاصان ما از اداره مخصوص استبداد نمودار می شود که بعضی جلب استقلال رسمی میخواهند شاه را وادار نمایند که اعلان منسوخ پارلمانرا بدهد - بموجب اطلاع وقایع نگار منبور شاه اعلانی تا هفته آینده خواهد داد - گویا این اعلان که سراسر منخرف است حمة انتخابات مجلس جدیدالاجتماع خواهد بود و فوراً هر خدایشها و تلکرافات سازشی از سویمجات شاه تقدیم خواهد گردید - هیاهوی زیادی از مستبدین درباره این اعلان خواهد شد ، آوقت شاه ظاهر خواهد داشت که بنا بخواست رطایا پارلمان و مشروطیت را در ایران منسوخ نموده و نیز اعلان سلطنت مستفهمه را خواهد داد (خود کوزه و خود کوزه گر و خود کل کوزه ، ولی مقیده ما اینگونه اعلانات بدوفازمی ارزد)

ترجمه از طمس آف اندیا

۲۴ نومبر سنه ۱۹۰۸

تبدیل رأی شاه تازکی ندارد، لیکن ما به تصور اینکه در این وقت بر تمام وعده های خود نزد بودیم اولاً منهدم کردن مشروطیت لازم داد بدک سلطان را که دارای استعداد و لیاقت استقلال باشد ، و این شاه نمی تواند ادعای چنین لیاقتی در خود نماید ، زیرا که بر جمیع عالم نمود که حاضر است در قائم داشتن املیت هر مملکت خود ، برهم زدن مشروطیت چنانچه در دوره سابق در مملکت ههای شد لازم دارد شخصی را که با استعداد تر از شاه حایله ایران باشد

نایباً شاه ایران که ادعا میکند که رعیت مثل خودش تبدیل رأی نموده گویا فراموش کرده است که دول خارج ممکن است مجبور شود به ارتکاب اقدامات شدید تر از پیش نمودن لواج مقننه - عذری که شاه آورده هانت سخنان اولیه او است که برپا کردن مشروطیت باعث مخالفت باشریعت اسلام میباشد ، ممکن است که در ابراد خود صادق باشد و این نکته نیست که ما بتوانیم در او رأی بدهیم ، زیرا که ما میدانیم بعضی

آیات در قرآن هست که آنها را به اقسام مختلفه می توان توجیه نمود خواه توجیهی که او برای قانون مذهبی میدمد صحیح باشد یا نباشد مبحث ما نیست ، شاه مکرراً بر قرآن قسم خورده است که مطیع قانون اساسی اند آیا ادعا میکند که در قرآن حکمی هست که شکستن قسم مزه را روا دارد ، در سپتمبر گذشته قول داد ، که مشروطه مشروعه میدهم بشرط اینکه اهالی تبریز آلات حرب خود را با چهار هزار از رؤسای ملت تسلیم نمایند تبریزها فهمیدند که چه آشی در کاسه میباشد و درخواست نمودند که کله مشروعه منها شود زیرا که ترسیدند که ملامهای تر دست اصل مشروطیت را مخالف با شرع قدوسی دهند اکنون بحث در آن نکته منتهی شده ، آنکه مشروطیت باید نشود پادشاه قانع شده ، فتوای علما که مطابق مبل اوست لیکن ملق ما دست از ادعای خود که این مسئله شاید رجوع بحکیمت شود برداشت اند ، شکی نیست که این مسئله مهمی است لیکن فقه و کنسار اقتدار ملت بیشتر است ، آنها می توانند دست آویز کنند قانون اساسی را و می توانند ابراد کنند که شاه نمی تواند باطل سازد چیزی را که به یک مرتبه باک شش مرتبه قسم خورده است که او را محافظت نماید ، به اعتقاد ما شاه هیچوجه من الوجوه لحاظ شرع و مذهب را نمی نماید بلکه لحاظ مبل طیبی خود را میسکند و فتوای ملامهای اطراف خود را غنیمت دانسته می خواهد بدین ذریعه خود را از مشروطیت که خیلی بر طبعش ناخوش و ناگوار است نجات دهد ، فریضة روس و انگلیس است که دوباره متفق به عبارت سخت از شاه خواست نمایند که فراهم بیاورد چیزی را که بر عهده خود گرفته است یعنی انعقاد مجلس شوری را ، دول خارجه هرچ و هرچ در ابر را که منافع زیاد در آنجا دارند و رعیتشان مشغول به تجارت در آن مملکت اند تا مدت زمانی صرف نظر نمودند بعدی بدرد که تبریزها از شنیدن فرطان آخری شاه که مشتمل بر منسوخ نمودن قانون اساسی است حمله بر قوسل خانه روس و انگلیس بیاورند و این دو دولت مجبور به مداخلات در امور ایران شوند

خبر نگار طمس لندن که در این اواخر در تبریز بود پیشین گویی نموده که اگر مشروطه طلبان توانستند بوسائل دیگر آزادی ایران را حاصل نمایند خواهند مجبور گردند که خارجه را دخلی و تصرف دهند ، لیکن